

و ملل مختلفه فراهم فرمایند و نجات تمام قوامین امروزی را در آنجا حاضر نموده و ملاحظه فرمایند هر کدام که رافع اختلاف و مؤسس ائتلاف است، بحکمت وجدان در تمام اقطار وطن مقدس نشردهند و هرگاه در میان قوامین رسمی دول چنین ماه الحیوانی یافت نشد (و نخواهد شد) بقوامین آسمانی رجوع فرمایند و عقول صافیه را تصدیق بخواهند هر قانونی را مقدمه نتیجه مطلوبه یافتند (و خواهند یافت) و سمیت داده نوع انسان را از حسیض اختلاف باوج اتحاد و ائتلاف برسانند و بر بیان ناقص من خورده نگیرند چه که بقدر وسع خود خدمتی بعالم انسانیت نموده ام

از برادران عالم خود استدعا دارم که هرگاه این لایحه را لایق دیدند بآنکه مختلفه ترجمه فرمایند که طام المنفعه باشد و مزد زحمت خود را از عالم انسانیت متوقع و مترصد باشند یا هرگاه در معنی وطن اشتباهی کرده ام علما و فلاسفه ملل رفع شبهات را بنمایند خادم وطن (میرزا سید محمد یوسف زاده همدانی)
 حیدر السلام یعلوا ولا یعلی علیه

قال (ص) (الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه) فرموده پیغمبر (ص) ما اسلامیات است و نهایت اهمیت را داراست و سزاوار است که معنی اسلام جالب دقت سیاسیون عالم و ترقی خواهان بی آدم بوده باشد و کمال لیاقت را دارد که موضوع بحث علماء و دانشمندان کل ملل واقع شود تا بدانند که راه استعلائی بر مدارج ترقی و طریق صعود بر مدارج کمال انسانی کدام است، آنوقت بروشنی آفتاب خواهند یافت که مشرع اسلام اساس ترقی نوع را بر پایه نهاده که بالاتر از آن مقصور نیست پس از آن فرموده است (الاسلام یعلوا ولا یعلی علیه) و چون فهمیدن حقیقت این شریعت بطور وضوح موقوف بر تمسید بپدمه است لذا عرض میکنم و از مطالعه کتبهگان استدعا دارم که ما به اختلاف بین المللی را کنار گذاشته فقط با حکمت فطرت خود که وجدان ساده طبیعی است تصدیق یا رد نمایند

شک نیست که افراد بشری بحسب خلقت اولیه متشکرا الهوا و متشنت الآراء میباشند و مادامی که چنین باشد ریشه فتنه و دویت در قلوب آنها

محکم و جز نوحش و غیر نوحش و در این عالم محسوس یکدیگر و تولید هر چه و مرج نهجه نخواهند داشت شاید آنکه در پیشگاه قدس خدایند اعتراض کرد که (انجل فیها من یسد فیها و یسفک الدماء) لطرش همین جهات اختلاف بشری بود و پس، پس هرگاه کسی بخواهد هیتورا از وادی غیر ذی فرج هر چه و مرج بسوی جنات عدن ترقی و تمدن بکشد ناچار باید که مقاسد مختلفه آن هیئت را بر طور هست مبدل بیکفرس و بیک مقصود بنماید، تا آن هیئت بطور اجتماع بسوی آن مقصود تاخته صورت وحدانیه و یگانگی یافته از وادی مهالک کثرت و یگانگی خلاص شوند و اینطریق تمام انبیا و حکمای سلف بوده است در نجات قوم خود از مهالک دنیویه و اخرویّه

مثلاً فرض کنیم که در قرون سابقه اولیه که افراد انسان در غارها و دره ها مسکن داشتند و از برگ درختان و میوه آنها خورش و پوشش میساختند و ابداً صورت تمدن حالیه بذهن آنها جلوه نمیکرد و هر کدام دنبال خیال شخصی خود میرفتند اگر کسی میخواست که اسباب ترقی و تمدن آنها را فراهم کند لابد بود بآنها بگوید که بیاید خانه بسازیم که در پناه آن خانه از زحمت سرما و گزند گرما و بارندگی محفوظ مانیم و نقشه آنخانه را در صفحه خیال هر یک از آنها بکشند تا باعث حرکت تمام آنها بشود که شروع بساختن خانه نموده بکمر حله از تمدن را به پیایند و ملاحظه میفرمائید که بعد از ساختن خانه فوراً بحکم طبیعت اولیه آن هیئت وحدانیه بصورت کثرت مبدل خواهد شد، پس آنشخص اگر بخواهد هیئت وحدانیه آنها را نگه بدارد و باز ناچار میشود که جهة جامعه دیگری برای آن افراد مشتته احداث کند و هكذا و هكذا و هكذا

پس معلوم شد که اتحاد و اتفاق بشری وحدت فرض و مقصود میخواید و هر چه آن فرض و مقصود بالاتر از اغراض شخصی باشد دوام و نباتش بیشتر و بدینوسیله اتحاد و اتفاق بشری بقا و نباتش افزونتر خواهد بود، و هر قدر اتحاد آدمی باشد اساس ترقی و تمدن اعلی و اقوم خواهد بود چه که وجود معلول لازمه بوجود علت است

خورد اعتراضات و تفت و
 یکنگ است - عالم انسانیت و تمدن و یگانگی که
 اس اساس ترقی و استعلا است اطهر من الشمس و
 این من الامس است، حالا می بینیم که علماء و سیاستیون
 عالم بعد از تفکرات و اندیشه بشمار جبهه جامعه
 افراد بشری را حب وطن قرار داده اند و خیالات
 جریشان افراد را متوجه باین یک نقطه نموده و
 میخوانند عالم انسانیت را بدینوسیله آباد و سکنه
 آنرا خرم و شاد نمایند و تدریجاً هم باینجهت
 عزیز موفق شده اند و خیلی از ممالک وسیع را
 بدرجات عالی رسانیده اند، ولی اگر کسی قدری
 دور بین تر و تیز هوش تر یافت شد و گشت که
 حفظ و نصیب من از ایسلام فقط دوره زنده گان
 من است و ایعلی که من بالذات در او میباشم
 بالطبع حادث و متحد است و من اگر بخواهم
 او را بوضع مخصوص نگه داری کنم باچارم که مادام
 تا عمر درسی و کوشش باشم، مثلاً مان بخورم
 برای اینکه زنده باشم، و زنده باشم برای اینکه
 مان بخورم، یا اگر خیلی خیلیم عالی باشد دیگری
 را مان بخورام، و در اینخطب نتیجه که عقل بلند
 پرواز دانایان میخواهد نیست چنانکه فرموده اند
 (هرچه نباید دلبستگی را نشاید) و می بینیم که
 سیاستیون حالیه اگر اصاف بدهند جواب کافی برای
 این معترض ندارند، حالا بیایم به بینیم که مشرع
 حقیقت اسلام برای تاسیس اتحاد و اتفاق بشری
 و ترقی نوع انسانی و رفع اینگونه اعتراض چه نقشه
 کشیده اند، و قتیکه انسان در نکات شریعت دقت
 میکند می بیند که شایده اتحاد اسلامیا طوری
 و یخته که ابد زوال و فنا نمی پذیرد و بالا تر از
 آن ترقی منصور نمیشود از این جبهه فرمودند که
 (الاسلام یملوا و لا یعلی علیه)

مثلاً در زمانیکه این وجود مقدس درمیان
 عرب که آنوقت از طوائف و حتی بشمار بودند و
 خیابان مختلفه را پرستش میکردند، و دائماً مشول
 قتل و غارت و تعدی بمقوق یکدیگر بودند، و این
 مطلب را چنانچه از قاصد آنها بخوبی فهمیده میشود
 اسباب فخر و سیاحت میدانستند، میبوت شد، نخستین
 کار آنها را همیشه میدانند چنانکه که دین منزه
 در آلیس بوعایت قوی و تصورات خیر بلور

نزد و مبراست دعوت فرمود و با دلایل و بنات
 واضح و وحدانیت مبعود را در اذهان آنها واضح
 فرمود، ازوادی کثرت بمرکز وحدتشان کشاید، و
 این خود بزرگترین نکات سیاسی بود و رنجها برد
 تا اذهان غریبه را باین نکته بزرگ آشنا نمود
 و قتیکه زمام دما را بدست قاید واحد غیبی سپرد
 و جبهه جامعه دائمی سرمدی را باین افراد مختلفه
 تشکله نوع انسانی معین فرمود و خدایان حلی
 طامری را از میان برداشت و تا درجه اتحاد
 درمیان افراد پیدا شد تا گذاشت بخدایان
 جعلی اندرونی، که عبارت از اعراض شخصیه و
 هوا های مختلفه انسانی است و فرمود که (بعثت
 لاتم مکارم الاحلاق)

کبر و حسد و کینه و محل و بالاخره تمام
 سات رذیله را نهی فرمود که یکباره ماهر و باطن
 افراد را متحد فرموده تمام را در جبهه انوای کالات
 انسانی مستقر فرماید پس از آن کار های شباه
 روزی مسلمین را مربوط بانجبه جامعه که عرض
 شد فرمود و قصد قربت در غالب حرکات و
 سککات مسلمین شرط فرمود (و ما امروا الا
 لیبدو الله مخلصین له الدین) و اگر بعضی از افعال
 قصد قربت بخواهد متوقف سلبه آن افعال است که
 قصد قربت در آنها شرط است و فرمود که اگر
 بدون قصد قربت بجا آورده شود فاسد است و
 مقبول نیست چه که مربوط بانجبه جامعه که عبودیت
 است نیست و هر چه مربوط بانجبه جامعه نباشد
 بالطبع مورت اختلاف و اختلاف علت تامه اختلاف
 امور و اضمحلال قومیت خواهد بود

از جمله قوانینی که برای مسلمین قرار داد
 دو نکته بسیار مهم است که قوام قومیت بسته
 بانجبه جامعه یکی زکوة است که عنصر اموال را با
 شرایط مخصوصه مخصوص فقرا فرمود که بچاره گان
 و درمانده گان قوم باینوسیله سروسامانی یافته سازد
 برکی ساز کرده مزید قوت و قدرت قوم باشند
 دیگری جهاد بود که بسبب آت حفظ مقام
 استقلال اسلامی و قومیت شده و دیگران را تحت
 نفوذ خود آورده و بیکجا را اگر آشنا نشد طرد
 و تبعید نمایند (کار با اختلاف مذاهب در این
 ماده بچارم) غرض از این کردن حکم و مصالح

جهاد است مثلاً بنابر تکلیف و حوب جهاد موقوف بر وجود و حضور امام مفترض الطاعة است و شاید که حکمتش این باشد که امام مفترض الطاعة یعنی کسیکه بعد از پیغمبر اکرم (ص) بوجود نگهدار و مقوی آنجهت جامعه باشد، و جز پیغمبری دارای تمام کالات و علوم پیغمبری باشد و همچنانکه آنوجود معبود نگهدار سلسله اتحاد و اتفاق بود باشد، چنین وجودی اگر در میان قومی که هنوز باوج کالات انسانی نرسیده اند نباشد بسا هست که غرض جهاد آنها مبدل بجهانگیری و غلبه بر سایر طوایف بهوای نفسانی بشود و این غرض علت غنلت آنها از جهت جامعه شده آنها را بودی هلاکت اختلاف که ناشی از حب ریاست است بکشد، و در ظاهر نبودن چنان وجود مقدسی در صوت لزوم عوض جهاد دفاع را مقرر فرمود که باین وسیله اطمه باستقلال قومیت وارد یابد

از طرف دیگر چون طبیعت کسایکه با حق آشنائی تامه ندارد یعنی بر سرپر کالات انسان مستقر شده اند از آنجهت جامعه طبعاً بجهت مختلفه مایلند و مادامیکه تبعیت اینقانون برای آنها ملکه نشده اطاعتشان قسری و حرکت قسری نه دائمی میشود نه اکثری و محتاج بقا سر دائمی می باشند بحری قانون را (که خوف از عذاب اخروی و غضب خداوندی باشد) در وجود هر یک از افراد جا داد که خیالات هیچ مسلمان هیچوقت خالی از وحشت ارتکاب خلاف قانون نیست و واضح است که این نکته بسیار بزرگ چه قدر جناب دقت و تا چه درجه درسیاست بدن و تربیت نوع اهمیت داشته و دارد، چنانکه اثرش در وجود اعراب دیده شد که تا چه درجه تمدن یافته و نفوذ در تمام عالم تقریباً پیدا کردند

و چون ممکن بود که بعد از آن وجود مقدس بعضی از جهال لنگام از سر بر داشته در وادی خودسری بتازند و این حادثه سرایت کرده دیگرانرا از صراط المستقیم ترقی منحرف سازد کسی را بجانشینی خود معرفی فرمود، که بجز پیغمبری حاوی تمام کالات صوریه و معنویه از بوده و بوجود نگهدار و مقوم آنجهت جامعه باشد، و تمام نکات قوانین

بوده و تمام سیاست امور، جمهور را سرچشمه بدارد اکثریت او نهاد مقرر فرمود که تا دامن قیامت نظام جهام امور بدست چنین کسی باشد، و حکمت اینهم نیز معلوم است که چنین کسی همانطور که مؤسس اتحاد اسلامی اتفاق قومیت را نگه میداشت نگاه خواهد داشت این نیز از نکات بسیار بزرگ سیاست بود این رشته همین طور مقرر است تا غیبت امام زمان ارواحنا فداء که تعلیم و تعلم اینقانون و اگذار بطلای عامل و مجتهدین کامل شد و در ایشان شرط شد که مخاب هوایی شخصی بوده تابع امر مولا یعنی متوجه آنجهت جامعه باشند و الا ایساعت تقلد این امر خطیر را نخواهند داشت

چه که اگر بالعکس پشت بانقصود مقدس نموده بهوای شخصی حرکت کنند بالطبع مورث اختلاف و اختلاف علت تامه اختلال امور و اضطلال جمهور است

و علاوه بر این امر بمعروف و نهی از منکر را باشرایط آن بر آحاد ملت واجب عینی فرمود که با شرایط مقرره جلوگیری از خلاف قانون بنایند و مقرر فرمود که شخص آمر بمعروف و ناهی از منکر خودش تارک آن معروف و مرتکب آن منکر نباشد (اما مرون الناس بالبر و تنسوث اضکم) دقت بفرمائید که ملتیکه از خود گرفته تا دیگران مأمور تهذیب اخلاق و اجرای قانون خود باشند، و شب و روز در حرکت و سکون مشول انجام وظیفه خود باشد کی ممکن است که در اساس ترقی و استعلای آنها تزلزلی پیدا شود

حالا از صاحبان وجدان و طرفداران ترقی نوع انسان باصدای بلند سؤال میکنم که آیا مانند این نکات در عالم سیادت و تمدن دیده و یاشنیده اید؟ یا نقشه برای ترقی قومیت زیبا تر از این که عرض شد کشیده اند؟ آیا سزاوار نیست که تمام ملل و سایل ترقی را منحصر بدین شریعت مطهره بدانند، و تمام طالبان را بدین بهشت جاودانی بخوانند؟ تمام طالبان بدانند که نقطه ما تسلطانان این امتیاز را داریم که همیشه بواسطه اسلام متبوع بود و تابع طریقه دیگران نخواهیم شد (که الاسلام یعلموا و لا یعلی علیه) و نیز لازم است که این نکته هم محقق نماید که فرمود (الاسلام یعلموا) و تقریباً

المسلمین بطون، چه که مبداء است مسلمانان آنطور که
چیزاید این اساس مقدس را که علمای زمان ما از
ادراک تمام حکم و مصالح عاجزند نگهداری
نخواهند کرد و بحال حالیه خواهند افتاد

حالا بر ما مسلمانان واجب است که چشم ما قبت
بین خود را باز کرده بنظر انصاف نگاه کرده به
بینیم که برای ما چه راهی بسوی درجات ترقی
هنیوی و اخروی باز کرده اند، و برعکس ما ما
قط بعلت بدبختی راهی را پیش گرفته که بدرکات
یقینی و ذلت میرساند

این دوراه کدام است؟ راه اول اتحاد اسلامی
است که قدر آن بر اذهان جبهه ما مخفی مانده که
یاندک سی و اهتمام علمای عامل ما در رفع ما به
الاختلاف بتانوی علمی رفع و دفع خواهد شد. و
بدبختانه تا حال اقدامی در اینخصوص نفرموده اند
راه دوم فانی است که فقط بواسطه برخی
موهومات که بر اذهان جبهه ما مستولی شده اساس
غلبه و استعلائی ما را بر باد داده. بستن راه دوم و
گشودن راه اول بسته با اقدامات علمای اعلام و تذکر
افراد اهل اسلام است. که آیا ملتیکه خدایشان
یکی و کتابشان یکی و نبیه شان یکی و پیغمبرشان
یکیت، و بالاخره در اصول تدین یکی میباشد. چه
جبهه دارد که دسته دسته شده بعضی شان بواسطه
برخی موهومات از بعضی دیگر جدایی و بیگانگی
نموده و خود را بدینواسطه دستخوش اجاب ساخته
اند؟ آیا دولت اسلامی نبود که از هیبتش پشت
سلاطین روی زمین میلرزید؟ آیا اکنون اگر جماعت
مسلمین متذکر عهد قدیم شده ترك جنا نموده
دامن اتحاد اسلامی را بگیرند در درجه اول اقتدار
نخواهند بود؟

(یا که نوبت صلحست و دوستی و عنایت)

(بشرط آنکه نگوئیم از آنچه رفت شکایت)

بوجدان پاک سوگند الان که در همدان این لایحه را
می نویسم، خونم بیاد برادران هندی و بخارائی و
حراکتی ما بجوش می آید، عزیزان من ای امت
حرحومه (کنتم خیر امة اخرجت للناس تأمرون
بالمعروف و تنهون عن المنکر) چه شده است ما را
باینکه اگر متحد باشیم، متفق باشیم، اسلام و مسلمین
را باطل درجه عزت خواهیم رسانید، که با همدیگر

بیگانه شده گرد فانی انگیزته و رشته اتحاد خود
را گسیخته، میدان بدشمنان سپرده منتظر ایستاده ایم
که کی قسمت بزرگی از مسلمانان مانند سایر اقسام
آنها طعمه طمع کفار خواهد شد.

چه قدر سزاوار است که مسلمانان متفرق در
اقطار عالم هر طایفه دانشمندی را که به پیغمبری و
خیر خواهی معروف باشد انجمن نموده متفقاً در
نقطه اجتماع نموده رفع اختلافات موهومه را نموده
عهد اتناق و اتحاد اسلامی را به بندند.

عقیده بنده آنست که این مطلب بتدریج منتج
اتفاق و اتحاد نوع انسانی خواهد شد، و این امتیاز
را باز مسلمین دارا خواهند بود امیدوارم که حضرت
آیات توجه مخصوص در این ماده مهیه که موجب
سعادت و ترقی اسلام و اسلامیان است فرمایند، و
این اتفاق جانسوز را از میان مسلمانان بر دارند
(طرفدار اتحاد اسلامیان)

میرزا سید محمد یوسف زاده همدانی

قابل توجه و کلاهی عظام

(و مصادر امور)

خاطر مبارك اولیای امور و وکلای عظام ملت
دام تائیداتم را معطوف میدارد. پس از آنچه جان
بازی علمداران عالم بشریت و ریختن خونهای پاک
در راه این مقصود مقدس و وقوع انواع مصائب
عظیمه بر این ملت بفضل الله و بحسن اقدامات محیر
العقول قهرمانان میدان مدنیت و یکه تازان عالم
انسانیت فقدان مانع و عمران کعبه آمال خود را نائل
شدیم، حاجت بشرح بیانش نیست، حالت امروزه
مملکت ما بر فرد فرد ملت واضح و آشکار است
که در زمان میشومه استبداد و آن قیامت کبری بجه
فلاکت و ذلت و امروزه در چه نشاء زندگانی داریم،
کسی این مصابه داند که طم ظلم جشیده است،
بببارتی ساده عرایض خود را به پیشگاه و مقام منبع
حامیان ملت مروض میدارد، امروزه وکلاء محترم
و وزراء عظام ما نمیخواهند مملکت معلوم الحالی را
از عدم بوجود و این کشتی شکسته را از وسط دو
گرداب موحش به ساحل نجات برسانند. روح عالم انسانی
را از خود شاد و ارواح مقدسه شهداء وطن را
مشعوف و مسرور دارند، و ضمناً قدرت فانی و
کفایت فانی خود را مشهور نظر سیاسیون عالم فرمایند.

باندک غور و بسوق در کتبه مطلب که چه امری را
 پیشنهاد نموده اند و خالق این مخلوق جلت قدرته
 چه بزرگ امتحانی را در پیش پای این ذوات محترم
 گذارده اگر از این امتحان عظیم کامیاب شدند چه
 علو مقامی است که تصور عقل از اعتلاش قاصر
 است. مدیر دایره یک مملکت شدن شوخی نیست،
 تحصیل مقام زحمتی ندارد، نگاهداشتن وادای وظیفه
 کار بزرگ است، برایشان است که اول موجبات و
 لوازم پیشرفت اساس مقدس را فراهم نمایند و شروع
 بکار کنند.

واضح است که امر امور امروزه و انتظام
 مملکت منوط به تشکیل و تنظیم وزارتخانه ها
 است از روی قواعد علمیه سایر دول که آنها
 موقوف بوجود مستشارهای خارجی است که در آن
 بحث و مذاکره زیاد شده است، بعد از آن تأسیس
 و ترتیب دوایر حزه در تمام نقاط ایران است از
 روی نظامنامه قانونی امروزه چیزی که بیشتر بحال
 این ملت مفید است اداره عدایه است که در واقع
 کارخانه تصدیه اخلاق و عادات ملت است با لحاظ که
 اکثر و اغلب ساق این مردم بواسطه دعاوی و
 آورده کی با یکدیگر است بعد از آنکه قطع دعوا
 و قلع ماده نزاع شد همین خون گرمی ایرانیست و
 است اسلامیست عود خواهد نمود. قوام و سام این
 اساس مقدس بسته بمصرف پول است که امروزه
 برهان قاطع و حلال مشکلات جایی بشر است. تا
 امروزه که نتیجه محسوس ظاهر نشده بواسطه عدم
 این قوه - بوده است. باین قوه باید تشکیل اردو و
 قشون منظم نظامی داد که سرآمد جمیع انتظامات
 ایران است. با عدم این دو قوه نیل بمقصود از
 حله محالات است، علت اهل تعطیل و تعویق امور
 این است که حکام ولایات را با چند نفر اجزا
 بدون تعیین حقوق و استعداد منظم نظامی بولایات
 میفرستند و مکرر تاکید نظم و تشکیل ادارات جدید
 میفرمایند. حکام هر قدر دارای تدابیر عالیه هم
 باشند نمی توانند مملکتی را که سالها بی لجام آب
 خورده اند و شرارت طیبت نانوی آنها شده بدون
 استعداد بولی و لشکری اجرای امور نمایند از جنس
 خود هم نباید متوقع خرق عادت باقیم و معجزه از
 آنها بخواهیم

امروزه حزبیکان که این مملکت را سرحد
 دولت بودروازه جنوب است. استعداد آن منحصر
 یکصد سوار بختیاری است که خود حضرت وزارت
 داخله از خود سری ایشان بخوبی مستحضرنه همه
 تصدیق دارند که شجاعت و رشادت بختیاری مشهور
 ایلات است لیکن صلت دیگر دارند که منافی فرمان
 برداری است، دیگر اینکه بدی است فرقه متوحشه
 هیچوقت از جنس خود و یا محشور و معاشر خود
 نمی ترسند، همان ده نفر سرباز برهنه تمام را زیاده
 از صد سوار اهمیت میدهند، دیگر اجزاء این حکام
 که برای تحصیل معاش ریح سفر را متحمل و یکی
 دوماد را مقصد رسند بجه امید خدمت نماید، اجزائی
 که برای تشکیل ادارات جدید لازم است حقوق
 نمی خواهند

توضیحاً عرض نمایم مبعبرین ایرانی میدادند
 شدت فقر و فاقه نصای ایران را بر کرده و بر ما
 ها یوم القیامه شده است، ثروت و بضاعت ایران را
 دو سبیل میان کن جنوباً و شمالاً معماری مشتی از
 سطح ایران بخارج، سیلان داده جزء اعظم آن که
 عبارت از مایات و سبجی دولت باشد هنوز طهران
 برسیده سلامتی ندیده راه عشق آباد را پیش
 میگرفت و یا با برهنه از رود ارس میگذشت و
 مابقی هم که ما حاصل ملت بود صرف موبل و اتانیه
 متاع خارجه میشد و نیز به بهای لباس و قند جایی
 میرفت. البته اجزاء ادارات و اجزاء حکام هم از همین
 فقرای ملت هستند اگرچه خدمت افتخاری بملت
 روز عظیم و موجب همه گونه شرافت است اما سد
 اعمال طبیعی را نمیتوان نمود، شخصی بهر پایه و پایه
 مشروطه طلب و و مانعخواه هم باشد تا لوازم
 امور طبیعت را تهیه نکند نمی تواند در سلك ذوقیات
 و فکریات خود قدم زند. معدودی هم که بحکم شد
 و بدر دارای مایه خویلی آلی و نشاء دینی خدمت
 بملت هستند تا خط معاشی خود را بجائی نرسانند
 نمیتوانند اقدام بکار نمایند، فرضاً بر حسب اظهارات
 اکیده مراکز تشکیل ادارات جدید را هم بدهند
 اجزاء با این مکنت و ایصال که مورث اختلال
 فوری فکریه است چه خدمت از آنها ساخته میشود،
 خدمت افتخاری بملت را کسانی میتوانند که دارای
 بصانت، سنگت و باوچ، عزت ارتقا یافته باشند.

امیدواریم اولیای امور توجه کامل بطرف عربستان
مطولت و بزودی قشون منظم نظامی برای این صحنه
بفرستند. و حقوق برای اجزاء و حکام و عدلیه و
نظمیه و امنیه و و معین فرمایند و کار از آنها
بخوانند که کار یکسال بکام پیش میرود، وجدانم گواه
است که وظیفه نوع برست و مدنتم مجبور بخریب این
لایحه نمود. در غالب جراید نطق های منحل از
وکلاء عظام دیده میشود بطور حتم این عبارت بقوه
فکر و تزیین وقت مربوط و تمکین میشود. خوب
است این افکار عالی را صرف استحصال لغات متین
و مشدد فرمایند (بقول ملای روم)

(گر بود افطت کج و معنیت راست)

(آن کجی لظ مطلوب خداست)

قتاعت فرمایند اگر صلحت بدانند امر باریاب
جراید شود که فقط رأی هر یک و عین مقصود او را
بنویسند و درج نباید نه عین تقریر. در این امر منافعی
چند است، یکی اینکه این قلاعه و هم از گردن جیبی
بوداشته میشود و فکر عبارت سازی نمی افتند. دیگر
صرف قوای فکریه را در تحصیل منافع عمومی
خواهند فرمود و تولید قوای عام المذمه خواهد شد
(امضا حسن بهائی)

حکومت و رابع نگار ما از اصحاب می نویسد
در این چند روزه یکی دو موقع ما این انجمن
ولایتی و اداره ولایتی مناقشه و مناظره اتفاق افتاد
و استار آن بهتر از افشای آنست، و امید است
پس از آنکه وکلاء محترم وظائف حقه خود را
فصب عین فرمودند، در هیچ رتبه و مقام مورد
ایراد واقع نشده و هیبت در هر مناقشه و مناظره
فاتح و مطر باشند، مسلم است در ایام وقوع اداره
ولایتی هم از وظائف مقرر خود تخلی و تجاوز
نخواهد کرد و درستی و نجا زات را کنار خواهد
گذاشت.

سردار اشجع چندی حکومت رسمی ایشان
مسجل نبود در این اوان تلگرافات عدیده در رسمیت
حکومتشان رسیده است و در مقام انتظام امور هستند،
چیردار ظفر هم یک هفته است بطهران احضار
شده یکی دو نفر مقصر هم همراه خود بطهران
برده اند

در چندی قبل منبری فوت بانک شامعیان را که

دارای مهر نبود دو بین شیراز و اصفهان بسرقت
بردند در این روزها باهتانات اداره نظمییه نوبهای
مسروقه پیدا شده و مرتکب آن عمل غریب خان
که از کاشتگان قدیمی ظل السلطان است بوده، او را
یکی دو روز در عمارت حکومتی توقیف نموده
هشت هزار تومان از آن نوتها را گرفته و تسلیم
بانک می نمایند، نمیدانم بچه ملاحظه او را رها
کردند، او هم چندروز است شبانه فرار کرده است
یک وقتی همین غریب خان نایب الحکومه اصفهان،
زمانی رئیس نامه، مدتی حاکم قشه بود حالا دزد
متشخصی بیرون آمده

ادارات از بی بولی در نهایت تنگی وسستی است،
مأموری از طرف وزارت ملایه برای تصدیق و
تسویه تفاوت تسعیر سنوات ماضیه از طهران اعزام
شده. در این چند روزه اخبار مهمی روسیه
داده و آن طغیان و حرکت غریب حاکم است،
عرض شد که غریب خان مذکور بواسطه کشف دزدی
خود فرار را بهتر دانست و رفت قشه و جیبی اشرار
این قصبه هم که با او سر و کاری داشتند دور خود
جمع نموده و در این وقت جناب بهادر السلطنه که از
خوانین بختیاری است حاکم قشه میباشد. و جناب
احمد قلیخان سرمنگ هم برای حکومت (ابرقوه)
وسرکوی اشرار آن صوب در قشه بوده. غریب خان
با اشرار به ترتیبی به محل حکومتی ریخته شخص
حاکم را با متابعتش گرفته دستگیر می نمایند و زحمت
و صدمه میزند دروازه را خاکریز و سنگر بندی
کرده و بقاعده یانی میشوند. پس از وصول خبر
باشنهان و طهران از وزارت داخله و سردار ظفر
و حکومت اصفهان با کمال حد اقدام در فرستادن
قشون و سوار بختیاری و سرکوی غریب خان شده
یا نصد نفر سرباز جلالی و دو توب از اصفهان و
سه هزار سوار بختیاری از چهار محال برای قشه
و گرفتن غریب خان حرکت کرده اند، و حاله
اردوی دولت در دهاقیان نزدیک قشه رسیده هنوز
خبر جنگ نرسیده است. معروف است خود غریب
خان بقعه دیگر فرار کرده و عبوسین را هم
همراه بردار است، در هر حال غریب خان متلاصم
نمی تواند ولی باهلی. بلوک خیل صدمه وارد خواهد
آمد بواسطه بی احترامی بحکومت قشه که از

مختیاری است وارد شده صوم مختیاری به میجان آمده اند .

بندر عباس

امیدواری سوی ترقی ایران یا احساسات بیهوده بدی است از مخاره تلگراف کسیون استقراض داخلی در تبریز و تلگراف حضرت اشرف وزیر داخله خاطر عالی مستحضر است و شاید سواد تلگراف رسیده باشد . برود تلگراف عباسی تاریخ (۵) ربیع الثانی جناب حکمران در دارالحکومه ترتیب مجلس داده اهالی را دوت نمود ، پس از حضور اهالی و قرائت دو تلگراف مذاکره استقراض میان آمده تجار و اعیان و االی هر کدام باندازه وسع وقوه خود اظهار قبول و همراهی نموده نیت اساسی را نوشته و هر کس باندازه همت خود مبلغی معین نموده که پس از قرار داد و تأمینات کامله بر حسب تلگراف کسیون استقراض داخلی هر قسم امر شود پرداخته باشند ، انشاءالله پس از انجام صورت ایجاد خواهد شد ، فعلاً بست هزار تومان گزنی معین شده و شاید در وقت اداء وجه علاوه هم بشود ، امید که سایر اهالی وطن عزیز هم تاسی نموده و اقدام در این کار بخیر کرده دولت علیه و ملت ایران را از تنگ قرض استقلال و بران کن خارجه نجات داده باشند .

تعمیر معادن جزایر بندر عباس

معادن جزایر که در اجاره معین التجار بوده از اجاره ایشان خارج نموده اند ، اوایل شهر ع ۲ از طرف وزارت مایه امر بمدر کرك در توقیف معادن گل گلک سرخ (هرمز) شده فوراً از طرف مدیر کرك هم (مسیوحان با تروهلندی) نایب مدیر رواه جزیره (هرمز) گردیده معادن را توقیف و آنچه موجودی گل قرمز بود نیز ضبط نموده ترتیب کار عمه جات معادن داده بر مواجیشان افزود که با طیب خاطر مشغول خدمت باشند ، از قرار مسموع دولت علیه هشت هزار تن گلک به کبابی انگلیسی از قرار هر يك تن سه لیرا و پنج شلنگ تحویل غراب فروخته است ، و غراب نیز در شهر جزیری وارد شده که برود حل نماید ، فعلاً (۱۰۰۰) تن حل میشود و مابقی مقدیماً تحویل خواهند داد

چنان چه معدن مذکور اجاره باشد امید است در عرض دو سه سه مدخول این يك معدن به چهار صد هزار تومان برسد ، سایر معادن جزایر هم بجای خود باقی است ، هرگاه از جانب اولیای امور يك نفر عالم معدن شناس کامل رواه عباسی نمایند در جزایر و توابع بندر عباس کشف معادن متعدد خواهد شد ، لازمه اولیای امور جهت راه انداختن معادن رواه نمودن يك نفر عالم کامل است که پس از کشف و تحقیق چه بتوان اجاره به تجار و اهالی مملکت بدهند و چه خود دولت اداره نماید مدخول کای عاید خواهد شد .

(واقعه غیر مترقبه بندر عباس)

مشعل و اخوان کبابی از یهودی هلی بغداد مقیم (منجستر) چندی است در ایران تجارت خانه باز نموده افشه انگلیسی وارد می نماید ، از دو سه قبل نیز در عباسی تجارت خانه دایر نموده و شاوول نام از اقوام خودشان را در عباسی جهت تجارت برقرار داشتند ، مشارالیه يك نفر منشی مسلمان و يك نفر نوکر داشت که این ها يك ساعت بعد طلوع آفتاب می رفتند آفیس و بم ساعت بغروب ماده خارج می شدند و خود شاوول شب ها تنها در آفیس توقف داشت ، یوم ۶ ع ۶ نوکر مشارالیه بطریق معهود می پند دروازه تختالی بسته و باز نشده ، هرچه دق الباب میکند جوابی نمیرسد در این حال منشی میرسد ، هرچه صدا میزند و دق الباب می کند اثری نمیشود ، از آفیس دیگر که مقابل آن بوده نگاه مینمایند که مشارالیه بوضع بدی خوابیده خبر بحکومت و کار گدای دادند نایب الحکومه و کار گذار و منشی قونسلگری انگلیس حاضر شده آدم فرستادند بالا و پائین آمده دروازه را باز نموده رفتند بالا مشاهده مینمایند مرده ، فوراً دو کتر خواستند پس از رسیدن دو کتر و بر داشتن چند طاقه غالی که روی سر و کمر آن بوده ملاحظه مینمایند طنابی نیز در گردن آن میباشد و آثار ضرب هم دارد و پاره لته در دهن آن میباشد یقین برکشتن نموده اند و کسانی که حاضر بودند میگویند از قراین معلوم است که آدم از پشت بام خانه بالا آمده و او را کشته اند ، عجب اینکه هیچ چیز هم بسرقت نرفته و اثری از هزدی نیست ، استیاب سعیرت شده در عباسی

شخصی یاد می دهیم تا اکنون اینگونه واقعه رخ نداده است حکومت در سدد تفحص قاتل و مرتکب حیثیاش تا بعد چه شود

قابل توجه مجلس مقدس ما سیدالله ارکانه
شبه نیست که توجه ملت در همراهی بدولت
بهترین اسباب امیدواری و نیکوترین نوید به حسن
استقبال ارباب است - چیزیکه مایه تشویش و
مورث خوف هواداران وطن عزیز میباشد این
است که يك ملت بولی ملت بدهد ولی بواسطه
عدم انتظام و (کنترول) صحیح مانند بولهای که
مردم برای بنک ملی وغیره وغیره دادند از میان
برود ، آنوقت نه اعتباری دیگر از دولت نزد
ملت باقی ماند و نه رفع احتیاج دولت شده باشد
و باز خواه مخواه دولت مجبور شود که بعد از
رد شروط روس و انگلیس مجدداً دست استقراض
زود آنها دراز نماید، مامر است که در آن صورت
شرایطی سخت تر ازین پیشهاد نموده و دولت هم مجبور
به قبول شده و تومار حیسات استقلال ایران را
حانه خواهند داد ، به سقیمه نگارنده هرگاه مواد
ذیل یا قریب به آن در بن استقراض داخلی مراعات
شود قرین به صواب خواهد بود

(۱) خزانه مخصوصی تأسیس و جمیع وجوه
استقراضی تحویل آن خزانه شود

(۲) مدیر آن اداره يك نفر از اهالی خارجه
باشد که عامل و عالم و امین و از علم صراف و اداره
گردانی کاملاً واقف باشد. مثل یکی از مدیران بنک
های معتبر فرنگستان

(۳) چند نفر از اشخاصی امین بی غرض بی طمع
وطن خواه ناظر بر آن خزانه شده مسئولست باشند
(۴) این اداره بکلی از حوزه اختیار وزراء
خارج باشد

(۵) هیچ يك از وزراء به هیچ عنوان حق
برداشتن بول یا حواله دادن به این خزانه نداشته
باشد الا به حکم قانونی مجلس شورای ملی

(۶) آنچه وزراء ازین بول برداشته یا حواله
دهند باید حواله کتبی و بامضای مجلس و همه دو
خبر وزیر مسئول باشد

(۷) وجوه این استقراض تطلقاً به هیچ مصرفی

نرسد جز مصرف تجویز يك عده سوار و سرباز
از برای حفظ طرق و شوارع و امنیت بلدان
(۸) چند نفر اشخاص امین کافی برای نظارت
معین شوند که هر حواله بر آت خزینه شود
مواظبت نموده که بمصرف خودش برسد

هرگاه دارالشورای ملی قریب به این اصول را برای
حفظ وجوه قرضه داخله فراهم آورد . به حدی
اعتماد دولت نزد خارجه و داخله فراهم خواهد آمد
که بفاصله يك سال ملیون ها بول بوسه ائل مختلفه
وارد مملکت ما خواهد شد. و بر عکس هرگاه بولی
جمع شود و مانند بولهای سابقه از میان برود استقلال
ما هم از میان خواهد رفت

(محمد حسین دهدشتی)

حبل المتین

جناب مستطاب آقا محمد حسین تاجر دهدشتی
مقیم بی بی چشم و چراغ دودمان مرحوم حاج
امین التاجر شیرازی ونمره اول تجار ایرانی مقیمین هند
و درجه اعتبار و اعتماد و دیانتشان در تجار داخله
و خارجه ایران مستغنی از تعریف و توصیف است
از طریق نوع خواهی و وطن پرستی این لایحه را
ب اداره فرستاده اند برای جلب توجه اولیای دولت
و امنای ملت . و علت افشای امضای ایشان این
است که جناب آقا محمد حسین صاحب تاجر دهدشتی
علاوه بر مقام منبع تجارت اول شخص با کله و
سیاست در تمام تجار ایرانی هند و صاحب افکار
عالی ورأی سلیم و سلیقه مستقیم است، حرارتی در
وطن خواهی دارد که تالی آن را کم تر دیده ایم، از
مزایای ایشان حق جوئی و حقیقت بوئی است. دعای
کاذبه و شررهای بی حقیقت را دشمن میدارند و
هماره در تعقیب نیجه و صحت عمل اند، خدماتیکه
در دوره استبداد صغیر بشروخیت و وطن محبوب
خویش نموده خیلی ذقیمت بوده و اداره حبل المتین
را پیش از آنچه به تصور آید تأییدات فکری داده
و دارای عقلی سلیم و قلمی بر قوت و شیرین است
لطاف این است که به همان درجه که در فارسی
دارای کمال وقوت قلم میباشد در انگلیسیم بد طولاً
دارند، و این دال است بر اینکه درجات تطیم و تربیت
را در مدارس به ترتیب صحیح طی نموده از اوضاع
عالم واقف و بر اوضاع زمان و مقتضیات وقت مطلع

و از یحیدن در الفاظ طاری و بری میباشند
 غرض از این معرفی چند نکته است اول ادای
 وظیفه قدر شناسی این اداره ملی، دوم جلب توجه
 اولیای دولت و امنای ملت با برانیات که بحمدالله
 مردمان کالی وطن خواه که مدرد امروزه ایران
 دوا توانند شد در هر نقطه موجود اند، سوم
 چون تا کنون ایرانیات قول را بقائل اعتبار
 میدهند و این لایحه اشد ضرورت و کمال اهمیت را
 داشت خواستیم بقائش اعتبار این قول را بیفزاییم.
 چهارم خواستیم عقائد تجار در خصوص این
 استقراض معلوم شود

جی شبه نیست که دولت ایران از این و بعد
 خیلی محتاج باستقراض داخلی است علاوه بر منافع
 عدیده استقراض داخلی خیلی سبب همدردی ملت
 در حفظ استقلال دولت تواند گردید، بیش از جمیع
 طبقات تجار محترم حصه در استقراض داخلی باید
 بگیرند، بدبختانه کوائف سابقه و خیانت کاریهای لاحق
 (مانند بلع نمودن منافع السلطه سیزده هزار تومان
 مال ملت را بدون هیچگونه خدمت) باندازه دولت
 را نزد داخله و خارجیه اعتبار ساخته که ما فوق
 آن متصور نیست و امروز که ملت با این شوق قلبی
 برای حفظ وطن خود در دادن قرض بدولت حاضر
 شده هرگاه اساس را نوعی ننگذارند که مزید اعتبار
 دولت نزد ملت گردد، و خدای مخواستہ یک شاهی
 از این وجوه حیف و میل شود، باید فاتحه اعتبار
 دولت را خواند

دولت امروز خیلی محتاج به همراهی ملت است
 دولت باید باعتبار دادن به ملت قروض خارجه را
 تبدیل به قرض داخله نماید و ملت باید با اقدامات
 دولت اعتماد حاصل نموده تا ب سرمایه خویش بنگ ملی
 که جسم استقلال ایران را روح روان است دانه
 نماید، ملت باید با کمال اطمینان سرمایه خود را در
 راههای آهن و کشف معادن و غیره بیندازد، مقدمه
 تمام اینها همین جزئی استقراض است و آنها منوط
 باساس محکم و اصول اعتبار افزا است، نمیتوان ملت
 را ملامت کرد چه هنوز با یک هیئت صادقانه
 تصادف نه نموده در صورتیکه تجار هند با هزاران
 حسن ملاحظه میکنند که معاوضت وزارت خارجه
 در پیشگاه مجلس مقدس باین جلالت حمایت باطل

از يك مامور وظیفه ناشناس نموده و با متبایه
 جسارت چندین دروغ شفاهی گفته و سیزده هزار
 تومان مال ملت را هبا و مدر میخواستند، چه گونه
 اعتبار بدولت نمایند که رجال مسئول اینگونه مرهمان
 حقوق نا شناس باشند تمام خرابیهای از دستگاه
 دولت بوده و ملت قصوری ندارد، بازم باید بمنون
 ملت بود که با این همه خیانت کاریهای سابقه و لاحق
 بازم در هرندای دولت خود را بجایه حاضر می سازد
 هرگاه مجلس مقدس ملی در استقراض داخلی
 اساسی که بتوان بر آن اعتماد نمود بگذارد فقط
 تجار خارجه ایران ام از مسلمان و زردشتی و
 ارمنی و یهودی چندین برابر آنچه را دولت خواستگار
 است تقدیم خواهند کرد، نه اینکه در خواستن
 اعتماد قابل ملامت نمی باشند بلکه ازین یاد دهانی
 کمال خیر خواهی را در حق دولت و وطن خود
 کرده اند

چون ما میدایم دارالشورای ملی بهتر و بیشتر
 از ما ملتت این نکات دقیقه هست ولی ما راست
 که بازم از خیالات عمومی تجار خارجه ایشان را
 مطلع سازیم، حالا منتظریم که دیده شود قرار داد
 مجلس در این استقراض چیست و بجز اصول کسب
 اعتبار در نزد ملت برای دولت خواهند نمود؛ چه
 این استقراض مقدمه استقراضهای بزرگ بلکه شالوده
 بنگ ملی و صد ها کپانی ها و تعمیرات راه های
 آهن و و میباشد، خیلی باید در همین اساس دقت
 شود. این نکته را هم ناگفته نمیگذاریم که تا
 دولت اعتبار در داخله حاصل نه نماید در خارجه
 نتواند نمود

▶ بازی بلیتک

واقعات تازه ایران بلیتک بازی را برای
 ناآشنایان سیاست مجسم می سازد، مثلاً چندی قبل
 مخبر روتر از پترسبرگ تلگرافی اشاعت داد که ما
 در ذیل آن تردید آن را با عدم اطلاع نگاشتیم
 روز نامه شریفه مجلس مفصلاً بموجب ذیل تردید
 می نماید

▶ نقل از روزنامه شریفه مجلس

(تکذیب)

امروز در جزء تلگرافات شرکت روتوپیک
 خبر عجیبی را تصادف کرده ام که بی اندازه اسباب

حیث و تعجب ما گردیده در يك سطر عبارت
تکلمات سپیناکه که در هر سهی زهری پنهان است
تاها کردیم و داعیه وطن پرستی ما را مجبور به
تکذیب آن نمود

اصل خبر این است (بنابر خبر تلگرافی تبریز
از پلرزبورخ جمعی از اعزّه ایرانی قرار گذارده اند
که بازارها به بندند و بدین وسیله قشون روسرا
از آذوقه محروم کرده آنها را مجبور بزیمت نمایند
و ما قبل از آنکه بطالات و عدم صحت این خبر
را از روی دلیل و برهان ثابت کنیم اول مقاصد
حکومّه را حکه در طریق تلگراف مکتوم است
توضیح کرده بعد بتزیدش می پردازیم،

اولا خواسته است نامنی تبریز و مخاطره قشون روسرا
و منها درجه عداوت ملت تبریز را بآنها ثابت
کند، و ثانیاً اثبات کند که روسها بملاوه خطر جان از بابت
حماس و خوراک هم در سختی واقع خواهند شد،
و اهالی تبریز آذوقه را از آنها باز گرفته عسرت
و تنگی بد آنها خواهند داد، ثالثاً نسبت این کار را
باعزّه ایرانی میدهد تا نگویند این خبر بر فرض
صحت هم ناشی از جهل و مردمان بی سرو پا شده و
اهمیتی ندارد، اما وقتیکه باعزّه و اشراف نسبت دارد
متنها درجه اهمیت کار را میرساند، رابعاً میخواهد
حاضر نشان کند که تبریزیان در عوض آنکه قشون
روس برایش آنها آذوقه آوردند و از قحطی
نجاتشان دادند امروز ایها آذوقه را بروی روسها
بسته و پاداش نیکی را بدی میدهند، و در اینموضوع
پناه بدست طرف داده حکه برای بعضی اقدامات
خوب در پیش روی دنیای متمدن عذری داشته باشد
و مخصوصاً بستن بازار را اسم برده و تصریح کرده
که جالب دقت باشد و غیظ و غضب عمومی را
ثابت کند

بلی این است شمه از اغراض پلتیکی که همواره
ما از آن توسیده و در هر موقع تذکار میکنیم، اما
جو فساد این تلگراف با اینکه روشن و واضح
است، باز برای آنکه اذعان ساده لوحان مشوب
نشود چند دلیل محکم اقامه می کنیم که جوی شبهه
و تردید باقی نماند، اول آنکه چرا این تلگراف
اینکه به پلرزبورخ مخبره شده و بینه دلیل فقط

حال آنکه مادّاً اخبار صحیحه اول بلندن مخبره
میشود و از لندن بسیار نقاط متّصر میگردند، حالت
شرکت تلگرافی روسیه معلوم و محتاج بیان نیست
بحدیکه در داخله روسیه محل اطمینان و وثوق
نیست، ثانیاً آنکه اگر چنین قضیه باشد اول
تلگرافی ایرانی مسبوق شده و به طهران خبر
میدهد و ایالت آذربایجان بوزارت داخله تلگراف
میکند و حال آنکه چنین خبری نه بتلگرافخانه
و نه بوزارت داخله رسیده و در دوائر دولتی
هیچ چنین مذاکره نیست، ثالثاً اینکه تاریخ این
تلگراف ۹ مارس است و البته از زمانیکه از
تبریز به پلرزبورخ مخبره شده و از آن جا بلندن
و از لندن بایران هم البته پنج شش روز طول
کشیده و یثناً از وقتیکه این مجمع منقذ شده
و چنین قراری داده تا وقتی که شرکت تلگرافات
مسبوق شود يك روز یا زیاد تر فاصله دارد علی
هذا از بدو حادثه تاکنون فریب ۲۰ روز طول
می کشد و هرگاه این خبر صدق باشد بایستی در
این طول مدت فعلیت یافته باشد و هیچ ماقلی
بلکه دیوانه قبول نمی کند که چنین واقعه بزرگی
در شهری مثل تبریز واقع شود و در طهران نه
کابینه وزراء مسبوق شود و نه تلگراف خانه و نه
پارلمان و نه سنرا مقیم طهران، رابعاً بستن بازارها
چه اتفاق می بخشد، قشونیکه دویک نقطه مجتمع و در
تحت يك اداره هستند و بول هم بتدر لازم از برای
آن ها چه بتوسط رئیس خودشان یا قونسول
روس یا بانک فراهم می شود فوراً عده را باطراف
فرستاده آذوقه تحصیل مینمایند، بلی بستن بازار اسباب
تنگی و عسرت زنان بیوه و اطفال یتیم خود و
تبریزیان می شود و ممکن نیست اهالی آذربایجان
چنین حرکت غیر متّجه را پیش نهاد کنند، خامساً
تبدایم مراد از اعزّه کیست و آن مجمع کدام است؟
اگر انجمن ایالتی و اعضاء آن انجمن است که بدون
اطلاع و کلای مرکزی خود و بدون مشاوره با وزراء
و استیذان پارلمان هرگز اقدام جزئی امری نموده
اند، فرضاً که اقدام کرده باشد چرا در تلگراف
تصریح نشده که انجمن ایالتی چنین قراری داده، و
اگر مجمع مزبور از انجمن ایالتی نیست چه مضاعفت

است بزرگ که چندین کلاس دول متحابه مو آن جا اقامت دارند چرا هیچیک چنین خبری را به نارت مرکز می و بدوات متبوعه خودشان اطلاع نداده اند حاصل آن که ما بعداً و قویاً این خبر را تکذیب می‌نمایم و ابدأ آن را صحیح نمی‌دانیم

ایک جهان اصول پلنیک مارپایک دارد تلگراف دین را اشاعت میدهد

تلگراف روتر

(۱۵ ربيع الثانی - ۲۶ اپریل)

بموجب خبری که به پرسی برگ رسیده حالت صومعه ارومیه بسیار خوفناک است باینکه گمانی و ایران در امنیت مال و جان بصاری آن سامان سعی می‌نماید و کردهای آن اصراف بر بصاری آن نواح ادا تر می‌نمایند چنانچه بر آنها تاخته و زناشان را برده حراً می‌کنند ازین رو تصارای آن نواح خواهش دارند که دولتین روس و انگلیس اقدامی در حمایت مالی و جان آنها نمایند

حبل المبین

این تلگراف بزنگی مانند تلگراف فوق می‌باشد اصل و مبنی بر پلنیک است همین که دولتین روس و انگلیس از قبولادن آن شرایط استقلال ویران کن بذریعه استقرار مابوس گردیده و دیده و داستند که ملت ایران در ادای این حزن و وجه بدوات خود حاضر و موجود است این گروه‌های تازه را برای ایران می‌فصلند یک دفعه بای آلمان را بیان آورده آن هیاهو را در عالم می‌اندازند و حضور سید روت نماینده دج بنگ آلمان را که مبنی بر معاملات تجارتی است با هراران پیرایه می‌خواهند لباس پلنیک به پوشانند و بر طالبان دحایه‌های غیر محقانه خود را لباس حقانیت پوشانده خویشان را ناچار قرار داده باسم جلوگیری از پلنیک آلمان هر گونه مداخله‌های غیر مشروع در ایران به نمایند این است که واقعات غیر مترقبه در تنگه و عباسی پیش می‌آید، قولسل انگلیس در بین راه شیراز و اصفهان دوچار دزد و دغل می‌شود و این صدا

تلگراف روتر است که در این باره می‌نویسد که این گروه‌های دو دریاچه ارومیه را دیده خبری می‌دهند که این آواز را بزنگی می‌نمایند و این گروه سیاسی از کجا و قصدی دارند، شایسته امتیاز کشتی‌رانی آلمان در دریاچه ارومیه و تداوم آن او از فرج دماغ تا ساحل دریا چه تمام می‌شود پلنیک است حرف این است که پلنیک عبارت از اقدامات سر بسته است، ولی این اقدامات این چنین آفتاب است نسبت پلنیک بر آب نمیتوان دلایل امید است سایر روزنامه‌جات ایران ابتدا بروز نامه شریفه مجلس حقه در تردید این گونه آکادیک می‌کشند و پس از سه روز باینکه دولت دو هر نقطه لازم است که مجرد این گروه اشاعات از مرکز تحقیق نموده فوراً تردید او را از عبر روتر و سایر جرائد بخواهند چه وحس اشاعات است (مانند همین دو تلگراف) اگر تردید بشود ماداره اوقات بدو از ایرانیان دو قلوب اروپائیان حسی میدهد که بسالان دراز نمیتوان رائل نموده ما با آن اطلاعات واسعة که در امور ایران داریم این تلگراف را تکذیب نموده و این اشاعات را مبنی بر پلنیک میدانیم و حقیقت واقعه این است که کاترینه نام دختر یکی از کشیشان عاشق بجوانی از آکراد شده در معیت او از پدر و مادر و خویشاوند فرار می‌نماید پدر و مادر او سایر نهارا را گرد آورده بر خلاف قلوب پیوسته بحکومت محلیه پروتست کرده پس از یک روز کاترینه را حاضر و در دارالحکومه مجلسی از جمیع پلنیک ترتیب داده کاترینه را استطاق کرده و باین طریق بی میلی او از پدر و مادر و رغبتش آن جدا کرده معلوم بود حکومت محض اینکه آن آواز نا به هنگام برآید فرو نشاند پدر و مادرش تسلیم کرد، تخمیناً پلنیک واقعه یک ماه قبل واقع شده بود، از این تلگراف چنانکه مستفاد می‌شود که مجدداً همان کاترینه یا مثال آن نزد رفق و آشنایان قدیم خود فرار نموده اند و خبر روتر این خبر را با این آب و روغن می‌نماید طالبان می‌رسانند، طریق مسلمان کردن مردان نصرانی معلوم است ولی خوب است که از غیر روتر خبر شود که زمان نهارا در چگونه مسلمان می‌شوند

(ريوال) كافيہ را بلخته و نير از شمس شستن
وما گردید ، ولي شخصاً از ملك صلح خواهی خود
شان انحراف نورزیده بودند

ایرانیان عموماً اعلیحضرت ادورد هتم را بيك
نظر محبويت و نوع خواهی و آزاد بندی مينگرستند
و چون درایم سلطنت ایشان انقلابات عظیمه سیاسی
در ایران پیش آمد و دولت انگلیس به آزادی و
حریت ایران خدمات نمایان نمود. رحلت این شاهنشاه
خیلی بر قلوبشان مؤثر و دلگداز است و خویشان را
شريك ملت انگلیس در این ماتم بزوك ميینداوند
روزنامه ملی جبلالتین از جانب ملت ایران
ملت نجیب انگلیس را با کمال تأثر تسلیت گفته
توقی و اقبال اعلیحضرت جارج پنجم پادشاه حالیه
انگلیستان را خواستگار است

رحلت اعلیحضرت ادورد هتم

(یا تصور انقلابات سیاسی)

درین موقع نازك که داخله انگلستان بمناسبت
کشاکس دوساله پارلمان و مجلس اعیان بر آشوب است
رحلت اعلیحضرت ادورد هتم را خالی از اثرات
عظیم نمیتوان بنداشت. اعلیحضرت ادورد هتم را بواسطه
کبر من و علم و تجربه و حلم و صلح جوئی يك گونه
محبوب القلوبی و مسموع الکلمه کی در کلیه ملت انگلستان
بود و هر وقت خوف انقلابی در انگلستان میرفت این
لمبدم بود که هر گاه اعلیحضرت کار را سخت دیده
میان اوقات طرفین با احترامات شاهانه ساکت مانده آرام
خواهند گرفت، علاوه بر این نیز نظر بحسن معاشرت
و نجوشی که با تمام سلاطین عظیم الشأن داشتند کمتر
خوف حملات سیاسی و روسخ و نفوذ انگلیس در خارجه
میرفت مع ذلک سال گذشته اعلیحضرت در نطق خود
با به نصیحت لارد ها اظهار فرمود که خانه جنگی
بد است و نفاق داخلی مورت تضییع حقوق دوات
در خارجه مبر کرده و میتوان گنت امروزه بمبحوحه
سج جنگی و کشاکس داخلی انگلستان است و درین
موقع بلاشبه رحلت اعلیحضرت ادورد هتم خیلی
مورت تشویش تواند گردید

اعلیحضرت جارج پنجم به تخت موروثی جلی
گزیده وبدون اختلافهم مراسم ابتدائی سلطنت ایشان
عمری گردید، ولی ظاهراًست که امروز چه رعایای
انگلستان و چه سیاسیون سایر دول آن ملاحظه که

از اعلیحضرت ادورد هتم داشته اند از ایشان نموانند
پیش از همه حلم و بردباری آن اعلیحضرت که
خلال بسی مشاكل میتواند واقع کرده درین
اعلیحضرت مسموع نیامده ، آن اعلیحضرت چون
ملك صلح و سلم را اختیار نموده بود طبعاً میلانشان
بفرقه ريوال پیش بود و ازین رو میتوان گفت در
عهد سلطنت اعلیحضرت ادورد هتم ريوالها خیلی
قوت گرفتند و در کلیه مستمرات انگلیس حسن
آزادی پیش گردید. میگویند اعلیحضرت جارج پنجم
تا درجه یرو ملك والد خود بستند و بفرقه
کنسروینیو میلانشان بیشتر است

چیزیکه محلشبه نمیشد این است که هرگاه تقار
بین مجلس ملی و مجلس اعیان انگلستان فوری مرتفع
نگردد از نفوذ و روسخ انگلیس در خارجه
خیلی خواهد کاست، خصوص درین موقع که ختک
سیاسی دول در تکابو میباشد، اعظم مسائل سیاسی که
امروز آماجگاه سیاسیون گردیده واقعات ایران و
مسائل آسیای وسطی میباشد

(مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس که
درین موقع مجبور بمسافرت انگلستان و برلن و
ملاقات اعلیحضرت ادورد هتم و وزیر خارجه آلمان
گردیده بود تمام مبنی بر واقعات وسط آسیاست

ایرانیان اگر با سیاست و فراست باشند امروز
میتوانند درین دست بندی سیاسی کشتی استقلال خویش
را بساحل محبت برسانند، مشروط بر اینکه ترك
مرعویت گفته تسلیم باین و آن نشوند، و یقین بدانند
که نفوذ و اقتدار روس در ایران اگر مرعویت را
ترك نمایند رفته و میرود بدانجا که عرب نی انداخته
برای آلمان در حاصل نمودن نفوذ در وسط آسیا
بهر ازین موقع متصور نیست ، انگلیسها از کشاکش
داخلی خود مجال مناقشه سیاسی با آلمان
ندارند، و ناچار عنقرب ترك حمایت روس را در
اجدافات بایران خواهند نمود، درین صورتهم
روس ما در مقابل آلمان جز سر تسلیم خم نمودن
و سپر انداختن چاره نخواهند داشت، ولی ایرانیان
راست که قافیہ را نباخته از چاه دریامده خود را
بجمله نیندازند، یعنی با آلمان هم با منتهای سیاست و
هوشیاری رفتار نمایند تا آنکس که از دعان گرگشان
میرباید عاقبت گرگشان نشود

بعد از نشستن جارج پنجم به تخت انگلستان و ادای مراسم ضروری تاجگذاری و غیره گمان نمیرود که ریرالها بتوانند قادر باز بحکومت برقرارمانند و باید هاست که امروزه برای ایران حکومت فرقه کنسرویتو بهتر از ریرالاست، چون اسباب مهمل داشتن معاهده دولتین روس و انگلیس که بزرگترین عایق ترقی ایران شناخته شده یکی هم آمدن فرقه کنسرویتو هاست بحکومت انگلستان، چه کنسرویتو ها از ابتدا مخالف با این معاهده بوده و تا امروزه از اظهار مخالفت باز نیامده و بسیاری از فرقه ریرالهم مخالف با این عهد نامه اند نهایت آنکه چون حکومت حالیه انگلستان این معاهده را بسته تا اندازه از مهمل شدن آن ملاحظه میکند و سعی است بلکه بملاطمت روسها را از خیالات فاسده باز داشته و این طوق ملاطمت را از گردن خود دور دارد، آنچه ما ملاحظه می نمایم این است که رحلت اعلیحضرت ادورد هفتم هیچگونه وخامی را برای ایران دعوت ننماید بلکه تصور برخی انقلابات که میرود هر پهلوی او را بشکافیم می بینیم که بعضی از ابرهای کدر را از افق سیاست ایران خارج می نماید مشروط بر اینکه ایرانها خود را نباشته از روی سیاست پیش روند و خیلی دقت کنند، آن بانی که ترسوا و مراکو از آلمان خورد آنها نخورند، و بدانند که آلمان تابع نفع خویش است و بس، و هیچگونه خویشاوندی با ما ندارد، اقلاً همین قدر دقت میکنند که اگر بیکدم آلمان را پیش می آورند دو قدم سیرین را عقب نشانده باشند امیدواریم درین دوره چنانچه تا کنون ایرانیان سهو نکرده درین میدان سهو نکنند

تقریر جناب لاردر لنگتن

(در مجلس اعیان انگلستان)

لاردر لنگتن در مجلس اعیان برش نمود که آیا میتواند بیان نمایند محاوراتی که دومیته قرضه ایران با روس و انگلیس شده، سپس شروع باین تقریر نمود کوششی که ایرانیان نمودند در تشکیل سلطنت مشروطه و پیشرفتی که تا امروز کرده اند قابل هر گونه اعتقاد و تعریف است و ایستادگی که در مقابل دشواریهای سخت نمودند ابراز قابلیت خود را در این مقام دادند و فصل اول عهد نامه روس و انگلیس

را تعظیم نمایند، ولی افسوس که این فصل عهدنامه تا کنون به وقع اجرا نیامده
من شخصاً حاضریم که شهادت نمایم اگر قشون بیگانه از ایران خارج شود ایرانیان با کمال ایقت و قابلیت کسب قدرت و جلب امنیت نموده، سلطنت مشروطه خود را ترقی دهند، مشروط بر اینکه کلیه مداخلتهای خارجی در داخله ایران موقوف شود، و مرا عین کامل است که ایرانیان انتظامات اندرونی خود را بدون استقراض خارجی هم انجام توانند داد شرایطی که برای استقراض دولتین ایران پیش آمده اند قابل قبول هیچ دولت آزاد با شرقی که در راه استقلال خود جا نشد فدا کرده نبوده این شروط برای دادن یک قرض نیست وقتی تقاضای یک جزئی وجه در ایران شد بدوا طرف با روس و انگلیس شدند، ولی نمایندگان این دو دولت رفع احتیاج او را صلاح ندیده که بخودی خود بتواند اصلاح متقاضی نماید و این روش یک گونه حکمت عملی بود که ایرانیان را باز میداشت از انجام اموری که استقلال این دولت جدید را دعوت می نمود، و حال آنکه دولت ایران را وجه از این رو ضرورت شده بود که قشون خود را مرتب دارد و انتظام مملکت را قائم نماید اینک در اخبارات دیده می شود که دولت آلمان قدم پیش نهاده که در رفع همان ضروریات وجه بدولت جدید بدهد، اگر چه مرا اطلاعات کافی در این باب نیست ولی مداخلت دولت آلمانی در ایران رفع مشکلات آن مملکت را نتواند کرد، ما نمیتوانیم در این موقع ایران را بدنام نموده ملزم قراردیم چه با آن تدارکات بزود لایه ما اگر ایران در رفع احتیاج خود رجوع بنائی نماید، مقام ما در وسط آسیا از اختیار همین حکمت عملی متزعزع تواند کردید، چه مسلمانانرا عموماً جوش زندگی تازه بسر آمده و ایران حاصل نموده است در تمام مسلمانان دنیا مقام بسیار منبع و رفیعی را، بدون شبهه اگر از مقام ایران چیزی کاسته شود گویا ما بر ضد مقاصد جمیع رطایب اسلامی خود حرکت نموده ایم، چنانچه مرا اطلاع رسیده است که ایرانیان جماعتی را به هندوستان فرستاده اند که مسلمانان را در همدردی خود بهیجان آرند، من از روی ایقان میگویم اگر خطی باستقلال ایران

هندوستان کم زور و کم قوت خواهد شد ، ولی اگر ایران را بحال خود گذاریم که استقلال خویش را حفظ نموده و خویشترن را از این گرداب سیاسی تجمبات دهد یک قوتی حاصل خواهد شد که هماره هندوستان را از حمله روس محفوظ دارد . نه فقط من سستی تدارکات دولت را درین موقع ملاحظه می نمایم بلکه می بینم که روزنامه طمس که خود را نماینده تانی دولت میداند و بدو در تمجید ایران دقیقه فرو گذار نمی نمود امروزه تمام هم خود را صرف می نماید که محسنات حکومت ملی ایران را در اسرار الملبان قبیح حلوه دهد . در این موقع قابل ذکر است که چند بوم قبل روزنامه طمس تقریبی و کتاب (وارث هیستینگ) نوشته و جنبی بحث نموده بود و همیشه هیستینگ از سیاحت خلیج فارس نزد فرما فرمای هند بککته آمد اظهار داشت که روسها محالف با عقل حرکت نموده که برای بیرون کردن عثمانی از اروپا سعی دارند که خود را با اسلامبول برسانند چه اگر متوجه بخلیج فارس شوند از یکطرف شاهنشاهی آسیا را متصرف شده و از طرف دیگر عثمانی را هم از اروپا خارج خواهند نمود .

تهنیدات پلنیک

(یا رقاصد گره تاره)

مخبر روتر از طهران ۲۵ ربیع الثانی مطابق پنج می خبر میدهد که سزای دولتی روس و انگلیس از دولت ایران طلب نموده اند جواب یادداشت تازه را که در آن ایراد شده بود گرو گذاشتن برای استقراض جدید چیزها اثری که در استقراضهای اولیه گرو بوده و متنبه نموده اند ایران را از سپردن بخارجی انتظام قشونی و امتیاز پلنیک را غرض ازین یادداشت همانا استقراض از دولت آلمان است و گویا چند امر را خواهند که من جمله بان شروع میکنند از موجه نگر فئید از دیگری هم نباید بگیرد ، چرا که بدو با رجوع کرده و حق ما شناخته می شود ، دیگر آنکه چون شما استقراض از ما را باین اسم رد کردید که شرایطش مبنی بر پلنیک است و باین اصول خواسته اند که بر طالبان طامر دارند نه حمایت نزاکت از طرف شما شده و به ترک دون اقدام ننکرده اند ، اگر شما در قول خود مدقید باید زیر بار قبول شرایط پلنیک نمانی هم بروید . درین از همه غرضشان ازین سراسله این است که بدین راه را از نمانی برای استقراض قبول اند بدو با ارائه دهد اگر ما منظور نمودیم از ما بول بگیرد ورنه از دیگری

از روزیکه گنگوی اتحاد روس و انگلیس در میان آمده رموز دانای سیاست میدانستند که غرض دولتی تقسیمات جغرافیائی ایران و سلب استقلال این دولت شش هزار ساله است ، و تاکنون هر قدمی که برداشته و هر نقشه که ریخته اند مبنی بر همین دو مقصود بوده است

بارها نوشته ایم که امروزه وضع پیشرفت سیاسی با پلنیک است نه لشکر کشی ، و شرط پیشرفت پلنیک هم مخالفت افعال با اقوالست ، چنانچه دولتی تمام تصرفات ناجائز حقوق شکنانه خود را تا کنون خیر خواهانه و حفظ استقلال ایران نام نهاده اند . ولی هر قدمی که برداشته اند یک گونه حقوق استقلالیه ایران را بر باد داده اند که شرح هر یک در مقام خود ذکر شده و درین جا لازم به تکرار نیست عجب این است که درین تلگراف روتر (اگر قابل تصدیق باشد) صراحتاً دولتی بمخسوق استقلالیه ایران تجاوز نموده اند ، دولتی توضیح خواسته و حال آنکه در جواب اولیه که دولت ایران در رد استقراض داده صراحتاً توضیحات لازم داده اند ، چنانچه از اخبارات انگلیسی طامر می شود ، جواب دولت ایران مبنی بر رد امر بوده است . اول آنکه شرایطی را که دولتی پیش نموده اساس بر پلنیک است و هیچ رالی بمنافع اقتصادی ندارد ، دوم دولت ایران جز سود و ضرات به هیچ شرط استقراض خارجی منظور نتواند نمود . این جواب با اندازه صاف و جامع است که توضیح بردار نمیشد ، پس سفارتین ازین بیانات چه میجوایند ؟

غرض سزای گویا این باشد ، که بذریعه این گونه مخبرات تهدید آمیز به تأیید آندستهای داخلی و فشار های خارجی ایرانیان پلنیک ناشناس را دو باره به گنگوی استقراض با خود شان میلان دهند ، و برای گول زدن ایرانیان برخی از الناط شروطی که در استقراض پیش نموده تغییر دهند ، و درین ماده دو مقصود دارند یکی آنکه ایرانیان را چندی دیگر باین گنگوها معطل نموده از فرام آوردن وجه و انتظام داخله باز گذارند ، دیگر آنکه بمرور زمان و شنوایند با الفاظ مختلف علمت شروط پیش شده استقراض را کم کرده بدین وسیله وحشت ایرانیان را از قبول شروط کم به نمایند ، از این است که انصاف کش روزنامه خود (طمس) لندن در مقاله مخصوص خود خیلی سعی نموده که عدم ضررت شروط استقراض را که دولتی پیش کرده

ثابت نماید، ولی گسائیکه فوق سلیم دارند و جریده طمس را ملاحظه نموده محسوس می نمایند صکه قلم نگارنده طمس ازین مدافعه شرمسار و بد آنجه مینویسد خودش هم عقیده ندارد، مگر اینجاست که میخواهد بر طالبان مشتبه سازد که عدم قبول ایرانیان این استقراض روس و انگلیس را بواسطه سختی شروط نبوده بلکه علت دیگر داشته و چنین ذکر میکند، اول - ضرورت امروزه دولت ایران مانند دسمبر (۱۹۰۹) که استقراض را خواستن نمودند نیست، دوم مالیات از هر طرف وصول میشود، سوم مالیاتهای چند اضافه شده، چهارم جواهرات دولتیهم قیمت خوب آورده، پنجم گشتگوی قرضه داخله هم هست، ششم آلساهم با یک مشت پول خودی بمیان انداخته است، این امور کلیه دست یکی شده علت رد استقراض روس و انگلیس گردیده است

ولی جراند منصب انگلستان در مقامی که رد استقراض دولتی روس و انگلیس را از دولت ایران نوشته در شرح و بسط مضار شروط استقراض دادحق گوئی داده تا حائیکه در دیل شروط استقراض می نویسد، امری که مرید شرمندگی عوام اسابیت و تمدن خواهی میباشد این است که دیده می شود در ذیل شروط استقراضیکه دولت ایران پیش شده امضائیم از دولت انگلیس دیده می شود

دو این هیاهو آنچه محقق گردیده این استقراض دارای شش شرط بوده (۱) کنترل چهارده گانه بر مالیه ایران (۲) امتیاز اولویت راه آهن جنوب و شمال روس و انگلیس (۳) اختیار قشون شمال و جنوب باختیار افسران روس و انگلیس (۴) انحصار کشتی رانی در دریایچه ارومی روس، (این چهار شرط را سابق هم شرح داده بودیم، چیزیکه تازه معلوم گردیده شرط پنجم و ششم است) (۵) صامس استهلاك این وجه کربک خواهد بود که ضامن قروض اولیه است (۶) سود این قرضه صدی هفت خواهد بود از شرط پنجم غرضشان این بود که این شروط را شامل در کلیه قروض دولت نمایند، باید درست دقت کرد که سود صدی هفت با این ضامن معتبر و این شروط استقراض ویران کن تا چه اندازه غرضشان فشار بر ایران و قصدشان بی اعتبار نمودن دولت جدید در داخله و خارجه بوده است.

در هندوستان که از تمام ممالک آسیا سود بیشتر است تجار متوسط با امضای شخصی از بنکهای بزرگ صدی چهار و چهار و نیم قرض مینمایند و حکومت در هیچ استقراضات داخلی از سود چهار فی صدی سالانه پیش نمیدهد، روزنامه طمس با آن شدت بی اصفی که در معاملات ایران مسلک اختیار نموده تصدیق میکند که این سود زیاد است، ولی باز می نویسد برای ایران این سود زیاد نیست

ایک که دولتیان دیدند ایرانیان تا این درجه مجبور و تنهیم نیستند که تن قبول این شرایط استقلال ویران کن بدهند با تهدید پیش آمده چنین مراسم بدولت ایران پیش نموده اند،

ایرانیان بدانند که بر طالبان مدلل گردیده که دولتیان در پیش نمودن شروط استقراض غرضشان این بود، که ایرانیان را مجبور ساخته جلب منافع پلذیکی نمایند، و بدترین بی دینای و بدینقها را از خود در ماده ایران نزد جمیع ملل متمدنه نوع خواهانیت نمودند، و از این رو دولتیان نمیتوانند در رد این استقراض نسبت ترك دوستی با ایران دهند، چه دولت ایران پیش از اینکه رجوع بنالی نماید رجوع به آنها کرده، ولی بد بختاه دیدند که تیشه ها دست گرفته برای کندن ریشه ابدی استقلال ایران حاضر شده اند با جبار از قبول چنین وجهی که خون بهایه استقلال ایران بود صرف نظر کرده مجبوراً دو صد چاره حوثی از مراکز دیگر شدند،

البته ایرانیان دانسته اند که گرفتن پول از این دو همسایه، ولو بمقت باشد، و هیچ شرط و سودی از برای آن قرار ندهند، باز هم حاوی بدترین زیامات برای ایران تواند شد، ابدأ لازم به بیان نیست، دولت روس که از کثرت قرض و زیادتی خرج نزدیک است و شکست شود، بجه خیال باین اصرار میجوهد بخلق ایرانیان يك مشت پول بام استقراض برزد،

ایرانیان را بوشیده نیست که غرض دولتیان از دادن وجه با ایران جلب منافع اقتصادی نبود، چه جمیع شروطیکه برای این استقراض با ایران پیش نموده پلذیکی بوده نه اقتصادی، و نیز قصدشان خیرخواهی و حفظ استقلال ایران نمیشد، ورنه این شروط استقلال ویران کن که علناً تقسیم ایران است

پیش نمی نمودند این است که ایرانیان با تمام قوای خود اینستاده که خود را پیش از این دچار فشار این دو همسایه نه نمایند .

ایرانیان دانسته اند که تمام انقلابات سه ساله ایران مبنی بر ریختن یک چنین استقراض بخلق آنها است . ایرانیان میدانند که دولتین برای قبول آمدن استقراض با ایرانیان هنوز هم هراران نقش خواهند زد . و رنگ بآب خواهند ریخت .

ایرانیها کودن نیستند و میدانند که همسایگان با کدامین دستهای داخلی همدست اند که بهر شکل نتوانند دولت را وا دار ناستقراض روس و انگلیس نمایند . رای پیشرفت این مقصود امروز هواداران روس و انگلیس مستعد هر گونه اقدامات هستند ، حتی در انداختن اعتشاش و دادن پناه بدست دو همسایه کوتاهی نمی نمایند

ایرانیان بخوبی استقلال خود را دانسته و مختیارات خویش را میدانند که هر گونه امتیاز و رعایت پلنیک و اقتصادی که بحال ملک و ملت مفید داد اعم از لشکری و کشوری هر دولت و ملت میتواند داد

ایرانیها در معاملات سیاسی خود بخوبی واقف اند و میدانند این مراسلات تهدیدات پلنیک است و استحکام آن از تار عنکبوتی پیش بست ، و این تهدیدات خود آورده است ، یعنی حامیان روس و انگلیس خواسته و آنها هم پیش نموده اند

ایرانی ها میدانند که معاهده روس و انگلیس هیچگونه ربطی با ایشان ندارد و قطع شروطی است که بین دولتین منظور شده و در ابتدای این معاهده مجلس پارلمان و دولت ایران صراحتاً او را رد کرده و خویش را هیچ وجه مربوط آت ندانسته اند

ایرانیان به آواز بلند میگویند که جناب سر ادورد گری وزیر خارجه در طلق خود در توضیحیکه به پارلمان داده منتهای بی دیانتی را کرده که دعوی نموده است که هنوز حقوق دولت انگلیس در اولویت راه آهن جنوب باقی است .

ایرانیان با ندای بلند میگویند که مسلک جناب سر ادورد گری در حایت های بتاحقیکه از دولت روس در معاملات ایران نموده نه تنها خارجه و زیانات سیاسی و اقتصادی برای دولت انگلیس در

ایران است بلکه نام دولت فخریه انگلیس را به تمدن کنی و ناحق بندی در صفتت تاریخ دنیا لکه وار میدارد ، و صبریت طت انگلیس را از قلوب احرار ایران زالی مینمزد .

ایرانیان میدانند که دیر یا زود دولت انگلیس طوعاً و یا کرمهاً در مصطلات ایران مجبور به ترک همراهی روس خواهد گردید ، ولی پس از آنیکه لکه تاریخی بروی دولت حریت خواه انگلیس نهاده شده باشد .

ایرانیان مقاصد فاسده روس را دانسته اند که با کمال شناخت سعی است کم شده های خود را در منچوریا از ایران حاصل نماید

ایرانیان با آهنگی بسیار سیوا دولت روس را ازین تجاوزات منع نموده و با چین چین وی را تهدید مینمایند ، که هرگاه بخودی خود ترک تجاوز نکوید با فضای سیاسی ، پس از آنیکه قفقاز را وداع ابدی گفته زمین پترسبرگ را بوسه خواهد زد ، ایرانیان میدانند که دولت انگلیس در معاملات ایران بالاصاله دارای رأی نیست ، بلکه بملاحظه اتحاد و معاهده با روس ، آنچه دولت مشار الیها پیش می کند خواه نخواه امضاء می دارد .

ایرانیها نیکو از حیثت همسایگان واقف گردیده میدانند تا چه اندازه در مبدات پلنیک استقامت توانند ورزید

ایرانیان هنوز مسئله مراکو و بالکن و تیت و مقدونیا و سومالی را فراموش نکرده اند ، آری این دو همسایه محترم توافقی که مد مقابلشان ما باشیم همین هیاهوها را دارند ، ولی وقتی که مد مقابلشان دولت تائی واقع گردد ، چنانچه در سایر مواد سپر انداختند درین ماده هم سپر خواهند انداخت

ایرانیان میدانند که برای لغو نمودن معاهده روس و انگلیس در تقسیم جغرافیائی ایران باید از هیچ اقدامی فروگذارانه نمایند ، معاهده روس و انگلیس مابین خودشان است و هیچ ربطی با ایران ندارد و ابدأ ایران پای بند بر آن نتواند شد

ایرانیان میدانند که برای لغو نمودن معاهده دولتین در باره وطن عزیز شان ناچار در سازش با دول دیگراند ، ورنه اگر انتظار خود را بدست این دو همسایه دهند باید از استقلال خویش چشم

ریننده بهترین دلیل هانا دست استقراض است که نزد آنها دراز و شروطنی است که با آنها پیش کردند. دلوشین با این شروطیکه در استقراض بایران پیش نموده نمیتواند دعوی دوستی بایران بنماید.

ایرانیان بخوبی میدانند که اگر رعایت پلنیک در حق دیگرسیه نمایند این تهدیدات پلنیک تمام بهوای می برد و دولتین هم خواه مخواه آچار بقبول و تسلیم خواهند گردید چنانچه در سایر مقامات هم گردیدند.

ایرانیان خیلی ازین گونه تهدیدات پلنیک سیاسیون دو همسایه را در مسئله بالکان و تبت و مقدونیا شنیده و نتایج آنها را هم دیده اند.

بلی طمس سه هفته قبل نوشته بود که دولتین در جلوگیری از خیالات ایران تنقیرب ملک خود را ظاهر خواهند داشت. معلوم می شود که ملکشان هم تهدیدات پلنیک بوده است و جناب سرادوردگری هم در پارلمان اسکستان خط به پیدیاتی دولت انگلیس کشیده دعوی ناحق نموده که باوجود گذشتن مدت اولویت امتیاز راه آهن هرگاه دولت ایران امتیاز بدولت دیگر دهد، ما را هم در جنوب همان حق خواهد بود. بجه اصول اظهار نداشته، ولی ما اظهار میداریم که مبنای فرمایش سرادوردگری بکویه (الحق لمن علب) است. یعنی ضعف ما را دیده و به قوت خود نازیده چنین دعوی باطلی می نمایند ایرانیان باید بدانند که بزرگترین تجاوز بحقوق استقلالیه ایشان هانا مراسله توای است که سزای دولتین بایران پیش کرده اند. اگر ایرانیان دارای حقوق استقلال اند دولتین را چه حق تهدید نمودن برعایت های پلنیک است که بدولت ثالثی بدهد. عنوان این مراسله (اگرچنانچه مخبر روتر بصدق خبر داده است) بالاترین حمله بر آزادی دولت ایران است. پس ایرانیان راست که با يك عزم صمیمانه بخیظ استقلال خود ایستاده و جواب این مراسله را دندان شکن بدهند و نگذارند که این دعوی دولتین بر ایران مسلط ماند.

ایرانیان باید بدانند که این مراسله هم آورده از خودشان است. یعنی برای تهدید وطن خواهان و مجلس مقدس ملی چنین مراسله را قبول کردند چنانچه وقتی مجلس مقدس زور در اطراح قشون

روسی آورد آن بازی پلنیک را پیش آوردند ایرانیان ازین وهد نباید باین پلنیک های پوسیده اعتنا بنمایند و در پیشرفت مقاصد خود مستعد باشند و با این تهدیدات پلنیک از جانی ننجینند.

ایرانیان باید بدانند که هنوز عقبات سیاسی خیلی در جلو دارند که مشکل ترین آنها معاهده روس و انگلیس است، و چنانچه بدون استقامت و استقلال و فدیة مال و جان حارهای داخلی را از جلوراه خویش بر نداشتند بدون استقامت و استقلال و فدیة مال و جان موافق خارجی ترقیات وطن اسلامی خود را هم مرتفع نتوانند داشت.

ایرانیان باید بدانند که مرعوبیت ضد استقلال و حریت و با مرعوبیت دعوی استقلال خواهی علط است. هنوز همسایگان ما دارند از مرعوبیت ما فایده گرفته برگردن آرزوی خود سور میشوند ایرانیان نباید از اتحاد روس و انگلیس بترسند، ایرانیان باید از مسئله تبت و بالکان و افغانستان و مقدونیا که شامل در این اتحاد بود عبرت گیرند. ایرانیان باید بدانند که همسایگان آنها دهانی که بتوانند ایرانرا بلمبیده و هضم نمایند ندارند. فقط آنچه از ما می برند از سازش با خودمانی ها و مرعوبیت خود مان است. ایرانیان از اهالی سوماتی کم نیستند. و صدها مائید ملای سوماتی دارند. بلی بدبختانه مراعات نزاکتهای سیاسی که روسی پرستان مستلزم عبودیت ما قرار داده، يك کج فهمی یا حماقت تمدن نمائی در ما تولید کرده است. که حتی مأمورین همسایگان ما آن نهمکاتیکه برعایا در خاک خود نمیتوانند بنمایند بدون ملاحظه در حق ما مرعی میدارند و نزاکت شناسان ما با آن يك و بوز فرنگی مآبی میگویند. دم مزیند که به رگ نزاکتشان خورده عالم زیر وبالا خواهد شد. ما هرگز منکر نزاکتهای سیاسی نیستیم. ولی مراعات این نزاکت باید از طرفین بشود. نه فقط از طرف ما که حق طرفهم از مرعوبیت ما دانسته و بیشتر برگردن ما سوار گردد. آری همین نزاکت کاریه است که پس از ملیونها خسارات مالی و جانی که در راه استقلال وطن عزیز خود تحمل نموده ایم امروز علناً دو همسایه دوست ما میخواهند استقلال شش هزارساله ما را برباد دهند. بلی در این موقع نزاکت کاری دایم و عوامدی طاعت

اداره جبل‌الذین هیچگاه همراه نبوده و نیست که ایرانیان در حق هیچ دولت اجنبی خاصه جنس اروپائی مراسم پلنکی نباید ولی ایرانیان راست که هرگاه مخبر روتر عنوان مراسله سفارتین را چنانچه نوشته مقرون بصواب باشد سخت بروست نموده و ننگران دولت خود باشند که جواب کافی و شافی بدهد و فقط باین جوابهم نباید قناعت شود. باید مخالف ادعای حقوق شکنانه و استقلال بر باد ده دولتمن ولو جزئی باشد فعلاً نایستند. مجلس مقدس شورای ملی راست که دقت تام در جواب وزارت خارجه درین باب فرماید، ما میدانیم وزرا مسئول صحت عمل خوداند و مجلس نباید در وظائف راجعه بآنها دخالت نماید، ولی افسوس که ما هنوز دارای وزارت خانه نشده ایم و مسئله مفتاح السلطه و توضیحات غیر صحیح معاوضت وزارت خارجه مدلل داشت که هنوز منزل مقصود دور است، و یک لفظ غلط در این جواب میتواند تیشه به ریشه استقلال وطن بزند و در صورتیکه وزارت خارجه برخلاف مقصود جواب داد و بعد که معلوم شد خطا کرده عزل هم شد. آیا عزل او تیر ازشت رها شده را باز میگرداند؟ غرض این است که در جواب این مراسله خیلی باید دقت شود و جواب هم چنانچه این مراسله علنی و عالمگیر بود باید علنی و عالمگیر ساخت، دانایان رموز سیاست میدانند که عنوان این مراسله چه قدر عالمان را متوجه بایرانش نموده چشمها واز و گوشها در انتظار است که جواب این مراسله را از طرف ایران بشنوند حضرات آیات الله راست که خیلی دولت را متوجه جواب این مراسله فرموده و بقول آنها اکتفا نموده قدری بزرگ فطیلت اختیار فرماید و چون یقین دارم که عقیده این خادم اسلامیت را در سیاسیات تصدیق دارند لذا عرض می نمایم که بزرگترین حمله سیاسی بر استقلال ایران همین مراسله است. هرگاه ما جواب شای نمانده فطیلت اختیار نمانیم باید فاتحه استقلال این مملکت اسلامی را خواند.

بارها عرض کرده باز هم عرض می نمایم که رسوم سیاسی در جسم یک ملک و ملت به تدریج سرایت می کنند این است که دانشمندان سیاست در همان قدم اول حریف را جلوگیری نموده از همان جا که آمده باز میگردانند اگر درست دقت شود همه روزه صورتاً و منناً

هماینگان دارند از استقلال ما بپاکند و ما باین خوشیم که محمد علی معزول شده است این خادم اسلامیت امروز با ندای عالم گیر تمام حجت نموده و فردای قیامت بحضور صاحب شریعت ثابت خواهد نمود که عدم فعالیت مقام منبع ریاست روحانی اسلام این مملکت اسلامی و مسلمانان آزاد را بقید سکنار داد کدام وقت برای اسلام نازکتر ازین موقع خواهد بود؛ چرا برای حفظ اسلام جداً بر نمی خیزند؛ سلطنت شیعه دارد حائمه می پذیرد، همان روسی پرستانند که شهارا مرعوب داشته، همان ارتجاعیون اند که شهارا از مخالفت فلان ملایم ترسانند. چه شد سیرت رسول خدا، کجا رفت کردار امیرالمؤمنین (ع)؟ خدا رحمت کند آیت الله میرزای شیرازی را که که یگو سر مشق گذارد.

امروز با ندای بلند به مقام منبع ریاست روحانی اسلام شکایت نموده که بواسطه آنکه آن موالیان فعالیت فرموده ازین رو اسلام و مسلمین را کار باعجا رسیده است. هرگاه بعد از حرکت بکربلا فریب سخنان بعضی انسان صورتان را نخورده و به برخی تلکرافات دلخوش نکن و وعده های پلنکی قناعت نوزیده معاودت نمی فرمودند، قشون بیگانه تا امروز در ایران توقف نمی کرد و همسایگان جرئت نمی کردند که تا این درجه حمله سیاسی بر استقلال ایران به نمایند، و هنوز هم وقت نگذشته ولی دارد میگذرد، و چون از ابتدا اقدام شاه بزرگواران را مردم دیده، حالا هم بدون حرکت شاه حرکتی نخواهند نمود، این موقع را باید غنیمت شمردند، ورنه خدای نخواستہ بیاید روزی که این نفوذ کلمه روحانیت در ایران باقی نماند و در آنوقت اگر نخواهید هم، کاری از دست تان بر نیاید. همین قدر بدانید که سکوت شاه بزرگواران باندازه اجانب را در داخله حری و با اقتدار و نفوذ ساخته که در هر آن بحرکت خودمان میتوانند ایران را زیر و بالا نمایند و هرگاه باز هم بر تان خود قیام باشند خواهند دید که ازین سر تا آن سر ایرانش را بر از آتش انقلاب ساخته اند و با هم حفظ امنیت از چهار طرف قشون در ایران زیاد خواهند نمود.

(سر چشمه باید گرفتن به پیل)

(چه بر شد نباید گذاشتن به پیل)

« مصیبت و فلاکت »

(اسباب انبیا و عبرت می شود)

آدم قائل از هر فلاکتی که در دوره حیات خود می بیند، باید يك درس انبیا بگیرد، پس هر مصیبتی برای فرزند انسان اگر چه بحسب ظاهر مضر و تلخ و درد ناک است، ولی معنأ مصیبت و عذاب با اندازه عظمت خود معلم میشود، و به آدمی درس میدهد. این درس و موعظت را زمان و بیان دیگر هست. که گوش دل صاحبان می شنود، خداوندان شعور و تیز میشوند، و بیشتر از صرری که چشیده اند سود و مدمت بر میدارند، در فهرست استقبال خود با خط جلی بند و اندرز آن معلم بیب را می نگارند و بکار می بندند، نگارنده چون معنی قصا و قدر را بقدر لایق میداند، از آندرسخن نمیراند، زمینه حرف در محسوسات روز مره عالم و تنقیه، حرکات و اعمال بی آدم است، و میخواهم اگر رفقا اجازه فرمایند بیان فوق را مانند يك قاعده کلی قبول کنم، همان طوری که عقل و حکمت پدایش صنایع و نتیجه و اثر يك احتیاج میداند، برای ما قاعده کلی معین میکند توضیحاً می گویم، چنانچه هر احتیاج و ضرورت يك ابزار و آلتی را جعل و اختراع کرد، هر درد و رنجی هم یک درمان و علاجی را بزبان بی زانی اشارت میکند، و می توان گفت که این هر دو در اصل و حقیقت یکی است و مباحثی در میان نیست در میان ملل عالم می توان گفت که ایرانی از همه بیشتر گرفتار مصیبت شده، خوبست به بینم از انبوه انبوه مصائب و مکروهات چه انتباهی حاصل کرده و چه اندوخته ایم، هیچ، بلکه از هیچ هم چیزی کمتر، چندین مرتبه و مخصوصاً هیجده سال پیش ناخوشی (وبا) بیشتر از صد هزار نفر را در عرض چند روز بمحاک هلاک انداخت، زمان را پیشوهر و فرزندان را پیادر گذاشت، ابدأ بفکر طهارت آنها و پاک کردن مزبله ها نیفتادیم، چهار ده سال متوالی با دولت روس جنگیدیم و هیجده ولایت قفقاز را باختیم، هیچ وجه متنبه نشدیم، عبرت نگرفتیم سهل است، تمام ترکستان را هم چندی بعد بشاگردانگی آنعامله دادیم؟ آیا دو دنیا برای ملتی که بجز باشد و بقدر ذره از احوال

عالم با خبر باشد درد و فلاکتی بالاتر از این میشود؟ خیر، پس باید گفت که ما و حرکات ما هیچ بآدم نمیاند، قواعد کلیه طبیعت هم در وجود جمعیت ما بی اثر می ماند، چه اگر مستثنای آن قواعد نبودیم، از علیة روس و رفتن قفقاز متنبه می شدیم، قدر وطن و هوطن را میشناختیم، راه میساختیم، به لشکر و سپاه میپرداختیم تا بفاصله چند سال هرات از طرفی و ترکستانهم از طرف دیگر قطع علاقه ابدی نه بماند.

آری نتیجه آن کودنی و عفت و نمره عبرت نگرفتن از آلام و تلخی های ایام است که امروز لشکر روس به پشت دروازه طهران آمده و یا سیصد هزار سوار و سرناسی کرور نیریه های (رستم) و (نوس) را بیچاره و مایوس نموده بدیهی است، درور بد چندانکه دور شود رابطه را با اشخاص سست، میکنند، حس خصوصت کتب سکونت میناید، ولی آنحضرت انبیا و عبرت باید فراموش نشود، صفحات دردناک ماضی باید همیشه رو بروی چشم هر جمعیت تیرنمند تصور و مجسم بماند، مثالی از تاریخ دیگران بگویم

سال ۱۸۷۱ برای ملت فرانسه سال نکبت و فلاکت بود (ناپلئون) بسزای خطا های خود در (سدان) بسردار (بارن) تسلیم شد و عساکر آلمان با پیروزی تام وارد پاریس شدند و در سرای بلور شامشاهی (کبلیوم) را اعلان نمودند نتیجه این وقایع و مجادلات داخلی برای مردم فرانسه چه شد، صد و شصت هزار تن از جوانان رشید تلف، دو ایالت بزرگ که تقریباً سه کرور نفوس داشت از زیر بیرق آندولت خارج، دهمیلیارد فرنگ هم عرامت جنگ و سایر مصارف بر کردن ملت بار شد، و از همه بد تر و اليم تر مدت پانزده سال تخمیناً دولت فرانسه در جرکه سیاست دول فرنگ بیقدر و منزلت ماند، براسق احوال ملت فرانسه در آن تاریخ خیلی رقت آور و خیلی قابل تامل و تخطر است، اما باید دید که در مقابل آنمناظر فحیح و پس از ابتلای بدامصائب مهیب مردم زنده فرانسه چه کردند؟ تسلیم محض شدند؟ بخورد و خواب برداختند؟ بییش و نوش کوشیدند؟ خیر بکس ماها متنبه و بیدار شدند، از سرگذشت خود درس عبرت

گرفتند، يك متاعی حیثیت فرا کوشیدند، خرابی‌های
 وارده را تعمیر کردند، در سایه فعالیت ذاتی وقوه
 حیاتیة که داشتند ضررهای مادی و معنوی آنوقایع
 ناگوار را لزشویشن دفع و تا اندازه تلافی نمودند،
 در مدت بسیار اندک نفوذ سابقه دولت خود را
 در فرنگستان اعاده کردند، چگونه که در خدمت
 انتشار مدنیت و ادبیات و فراهم آوردن اسباب
 ترقیات جمعیت بشر مقامی مبع حاصل نمودند، هاطور
 هم نفوذ سیاسی و قوه لشکری خود را بقدر لایق
 دوباره تیره و تدارک کردند، شان و شرف رده را
 بزور و بازوی سی و عمل بر کرده بجای خود
 گذاشته و اکنون شب و روز در کین فرصتند
 که آن دویالت ممتاز را هم از دست خصم بگیرند،
 قدری هم از خودمان بگوئیم ازین استطراد يك
 مثال واستشهای وی منظور بوده اگرچه شرم میکنم
 خجالت میکنم، زیرا که بیچ وجه جهت مشابهت
 میبیم، شایسته مقایسه نمی‌دام، ولی دور از جناب
 يقول بمرض در ممالک غرب مارا فرانسه شرقی ها
 میداند راست با دروع کاری بآن نداریم، مادامیکه
 از حیث اسم و رسم در قطار ملل عالم داخل هستیم
 و قسمی از خریطه جهان را متصرفیم خوبست به
 بینم از آن توسری‌ها و پشت گردنی‌ها که همسایگان
 زور دست با زدماند آیا درس عبرت گرفته ایم نه
 یا، وقعه اسکندر، بلیه عرب، وحشیگریهای موعول،
 هجوم افغان بالنسبه با قدری دورند، اما حنگ آخرین
 روس وقضیه هرات خیلی نزدیک است، تأثیری که
 این کتک‌های واپس در وجود ما کرده کدامست،
 چه عبرتی گرفتیم، چه نتیجه برداشتیم، با کمال تأسف
 باید گفت بموض آسکه مقننه شویم و در صدد
 استرداد حقوق منسوبه خود بر آئیم همه را جزو
 تأثیرات طبیعی دانسته قارغ نشستیم، گویا که ما را
 در آن مملکت ما حق حاکمیت نوده و خاک آنولایات
 با خون فرزندان ایران نیاعشته، علما و دانشمندان
 همه را حل سضا و قدر کردند فضلا و ادبا بجای
 سرودهای ملی و خطابه‌های مهیج بانظایر قصیده
 های قآنی و بهجویات بیجا تسلیت خاطر و تشییط
 دماغ نمودند، دولت بحقیقت آزمائش هم بانهایت
 یحیی تنظیم قوه نظام و رعایت مقتضیات وقت را
 ناند شده گده سناحت و خه شکند، از شده، قدر.

را که چهارده سال با يك همسایه مقتدر بجه نهم
 میکرد و کتنی میگریفت، قدرتی را که هفت سال
 هرات را محاصره و در آنروزگار صد هزار نفر
 سوار و سرباز میتوانست لزنقطه بنقطه دیگر بفرستد
 چنان از کار انداخت که امروز چهارده ساعت هم
 یارای مقابله با خصم ندارد، و برای فرستادن يك
 قوه مختصر نظامی باید هفت ماه این در و آن در
 رفت و ماقبت هم موفق نشد
 اما ملت یعنی آن جمعی که اشخاص موصوف
 فوق از افراد آن محسوب است، آن انبوه خلق
 که مسؤولیت تمام تقصیرها بگردن کلفت او است،
 آن گروه ناس که نیک و بد تاریخ ماضی سعادت
 و شقاوت خال و استقبال بعهده لیاقت او قویض
 شده و نام گرامیش را ملت ایران میگویند مانند
 تماشگر پیشتر نشست و نگاه کرد، گاهی تخت روان
 حاجی میرزا حسن را بدوش کشید، روزی بدرخانه
 و دنیال امرا و حکام دوید، ابدأ چشم خویش را
 نماید اطراف و جوانب خود را ندید و نیاید
 سهل است دور خود دیواری کشید از سد
 سکندر عظیم تر و پشت این دیوار مشؤم فقط يك
 خط باریکی گذاشت که از خانه دیوان تا خانگاه
 گدم نمایان جو فروش سیر و هروله کند
 مشغول نگارش این کلمات بودم که یکی از یاران
 وارد و بمضمون مقاله مطلع شد، نظر بطبیعی که همه
 دارند و متوقع تصدیق گفته خود میباشند، ننده
 هم با جمیع حواس از آثار جبره و چشم رفیق
 منتظر تصدیق بودم، پس از اندکی تفکر ناگاه سر
 بر آورد و گفت آنچه نوشته و اعتراض کرده بجا
 است، الا آنکه مسؤولیت ملت را در دوره استبداد
 چگونه میتوان قبول کرد، ملت وقتی مشول میشود
 که در امورات عمومی دخالت کند، و اول دخالت
 هم از آغاز اعلان قانون اساسی است، گفتم آری
 نظیر همین گفتگو روزی در محضر دانشمندی صورت
 جریان یافت، دانشمند مذکور فرمود ملت هیچوقت
 گریبان خود را از دست مواخذه و مسؤولیت نمی‌تواند
 برهاند، زبان تنقیه تاریخ پیوسته بجناب ملت دواز
 است، در محاکمه تاریخی اشخاص قابل ملاحظه و
 اعتنا نیستند، از دوام و بقای استبداد هم باید ملت
 مواخذه شده، معذرت غلطه تقدیر، نگاه مستحکم

فرد هر هیچ حکمت پندیده و مقبول نیست، همچنین
 جینی مرکب از سی کرور اگر بگوید هر دست
 سیصد نفر اسپرم بالله عرض پذیرفته نخواهد بود
 و دلتی بری نخواهد شد، حسیکی بلند مرتبت
 میگوید، هر ملتی مستحق این حکومت است که
 دارد اگر خوی ملت بستم و بیداد است حکومت
 استبداد خواهد داشت، لذا اگر بعدل و داد مایل
 است محققاً حکومت خود را مشروطه خواهد کرد
 دیگری می فرماید میان افراد حکومت فرق و تفاوت
 مگذارید، کان مکنید که دولت غیر از شما و شما غیر
 از دولتید، دولت روح و معنویت شما است،
 اجزای موزون و کامل یک کل جامع را تشکیل
 میدهد، هر فردی از افراد هر گاه اعمال خارجی
 خود را تصحیح کند و موافق با عقل و منطق
 اجراء نماید هیچ عیب و علق باقی نخواهد ماند،
 مکارم اخلاق و فضائل انسانی است که افراد
 اهالی حد خویش بشناسند، وظیفه ملیت خود را
 بجا بیاورند، وطن را مصور کنند، هموطنان را
 مسعود نمایند، بس معلوم شد که تقصیر ملت قابل
 عفو و اعراض نیست، و گناه تمام بدیها بگردن او
 باقیست،
 از مقصود بکنار نیفتیم، غرض اصلی این بود
 که از محیط فکر ما ایرانیان یک فضیلتی که اساس
 تمام فضایل است خارج مانده آنفضیلت بزرگ،
 عبرت گرفتن از ماضی و تاریخ گذشته است، ملت
 همین که بتاریخ و سرگذشت خود ناظر شد و عبرت
 گرفت دشمن خویش را میشناسد، رفتار و کردار خصم را
 در تحت نظر میدارد، باولاد و احفاد خود از
 هنگام خطام و گاه زبان گشودن نام و نشان دشمن را
 تلقین میکند، و چنانچه باید و شاید او را میشناسد، حسن
 نفرت و لزوم تدارک مدافعه بدخواه را در منزل و
 دماغ نوابوکاش وطن جای میدهد، ما هیچیک را
 ندانیم و بجا نیاوریم، تا کار بدین جا کشید و
 برق روس در نقاط مهمه مملکت ما مرکوز شد،
 حالا بحساب میخواهیم اظهار نفرت کنیم، گاهی بخوبی
 تحریم اتمه او میساقیم، گاهی به فروختن آذوقه
 تهدید مینماییم، این تدبیرات خفک بدو پول نمی آورد،
 و چیزی از شدت وی نمی کاهد، به یابید در خصوص

جمهوری فرانسه بیرون رفت (میو نامبالتا) به
 مشهران خویش چه وصیت میکند، میگوید « ضیاع
 آن دو ایالت را باید همیشه یاد کرد، و نباید با
 حرف آن مشغول شد، بر گفتن و هیچ نکردن
 سودی نخواهد نمود، بد زبانی و خشونت طبع بر
 فضیلت ملت چیزی نخواهد افزود، باید دلمان را
 بست و دست را کشود، باید خست و تنبلی را کنار
 گذاشت، به اعانه و یا اقراض استقلال مملکت را
 حفظ نمود، نگاهداری وطن، اسزداد حقوق،
 بیرون کردن سرباز روس، بسته بکار کردن و
 مقدار همت ما است (علی اصفهانی)

مکتوب از بیداد
 (تجدد دوره تاریخ)
 (یا الولد سرایه)

در وقتی که ملت ایرانیه سر تا پا جوش و خروش
 بودند در همراهی بدولت اهم باطاه و استقراض، جریده
 شریفة ایران نو و مجلس سکه من باب مفتاح السلطه
 جزال قونسل هندوستان که وکلای محترم بر حسب
 نگارشات روزنامه مقدس توصیح خواسته بودند توام
 با روزنامه حبل المتین رسید، و برهه از روی
 کار برداشت، نوری مرا بخاطر آمد دوره صدارت
 مرحوم حاجی میرزا علیخان امین الدوله و تشکیل
 انجمن معارف و ریاست مرحوم مفتاح الملك بدر
 مفتاح السلطه و بلند شدن فریاد ارباب جراثید فارسی
 در حیف و میل وجوه اعانه سکه تا صد هزار
 تومان ذکر میکردند، تا کار بجائی کشید که مفتاح الملك
 چاره را منحصر در اشاعه اخباری بام مفتاح العلوم
 داد، و بمدافعه خویش پرداخت، آنچه مدافعه کرد
 برده از روی کار بیشتر مرتفع گردید، تا اینکه
 اوراق آن روزنامه از عرق انفعال خیسید و پوسید،
 واقع چه قدر خوب گفته اند

(اگر بدر نتواند پسر تمام کند)

آری الولد سرایه، تاریخ دوره خود را تجدید
 میکند آن حیف و میلها گذشت، این هم گذشته
 خواهد گذشت، چنانچه در دوره پدر سر ملت فلک
 زده بی کلاه ماند درین دوره پسر هم کان نمیکنیم نتیجه
 برای ملت حاصل آید، فرقی که دارد این است که
 آن دوره استبداد بود این دوره مشروطیت، آذ

میشود. آن دوره ملت دارای مرکز حقوق یعنی پارلمان و حافظ حقوق یعنی وکلا نبودند این دوره هستند. آن دوره مملکت وزرای مسئول نداشت این دوره دارد. ولی بدبختانه چون تمام اینها تغییرات فطری است، نتیجه هر دو یکی ظاهر میگردد یعنی همان حیف و میل همان خورد و برد

باید است مفتاح السلطه دو طلب خدمت بسیار بزرگی نزد محمد علی شده و مأموریت هندوستان را حاصل نمود. ولی اقبال ملت را تأیید نمود. آمر و مأمور بمرام خویش نرسیدند. مفتاح السلطه در خدمت باسکلیسان بزرگترین دشمنی را با تاج و تخت کیان و وطن عزیز خویش نموده. این است که در بلوچک در حق وی نوشته شده «خدمتی که قیمت ندارد در حق دولت اسکلیس نموده» آن خدمت عبارت ازین است که ولینعت خود یعنی جا نشین کیان را وادار ساخت که از سفارت اسکلیس معذرت بخواهد و شاهنشاهی ایران را تا ابد لیکه دار سازد. کسایکه واقف بمواقف برالدولی اند میدانند که این نکته تا چه اندازه از مقام شاهنشاهی ایران کاست. و تاج کیارا نزد سلاطین کفنت ساخت. چنانچه تاج و تخت ایران تا کنون چنین ذلتی بخود ندیده بود. لطیف است که در ازای این خدمت بانصدت تومان هم از محمد علی انعام گرفت. و تا وقتی که محمد علی را از تخت بزبریاورده بودند اولین دوست استبداد بود. چنانچه در ورود حضرتین سردار اسعد و معتد حاقان در بیثی از رپورتهایکه بنوسط سعدالدوله به محمد علی داد کشف این معما را تواند نمود. اینها که گفتیم تمام جمله معترضه بود. مطلب اصلی این است که معاون وزارت خارجه با کدام رو باین جسارت دفع از مفتاح السلطه نموده خواسته امر را بر مجلس مشتبه نماید. امروز که دولت میخواهد اعتبار و درستکاری خویش را نزد ملت ثابت کند و صد کرور استقراض داخلی حاصل نماید. يك مأمور دولت چنین حیف و میل عظیم نموده و معاون يك وزارت خانه مجلس مقدس چنین اشتباه کاری نماید. برای دولت نزد ملت چه اعتبار باقی تواند ماند

لذا با یکدنیا تضرع بحضور حافظین حقوق ملی یعنی وکلای مجلس مقدس عرضه میدارم که اگر خیر

ملت حقی خود را بر طبق اخلاص نهاده دوشنگران شا بزرگواران بدولت بسپارد. درین موضوع ترك ملاحظه فرموده و سخت ایستاده تحقیق نمایند و نگذارند سبزه هزار تومان ملت را درین دست. تنگی یکنفر بشارلثانی به برد. برای جلب توجه آن ذوات فرمایش حضرت مستطاب ظهیر الاسلام آقای آقا شیخ حسن سلمه الله را مینویسم «چندو طلب کتاب و اثاث البیت بفروشد تا سبزه هزار تومان جمع شود و یکنفر مفتاح السلطه او را به نامد و هل من مزید هم بگوید. ای کاش حیف و میل مفتاح السلطه در مجلس مذاکره نمیشد. حالا که مردم دیدند که یکنفر معاون وزارت باین جسارت اشتباه کاری نموده و باین سهولت وکلا هم ساکت شدند نتیجه این شده که مردم تصور می نمایند که قدرت حیط حقوق ملت در وکلا نیست» بنده عرض میکنم حالا که کار باین جا کشیده و این مسئله در مجلس موضوع بحث شده باید نتیجه آن هم بر طالبان آشکار گردد. ورنه براعتبار دولت لکه وارد خواهد آمد. باید وکلا تحقیق نمایند که اگر مفتاح السلطه دو سال مواجب گرفته و بمحل مأموریت خود نرفته و جنرال قوسلی او رسم شده اقل مواجب گرفته را از او باز گیرند تا عبرت سایر مأمورین گردد (اقل الطلاب محمد تقی طهرانی)

حبل المتین

بسیار فرق باشد از اندیشه تا عمل. همین قسم که بگفتی شکر دهان شیرین نمیشود بلفظ مشروطه نیز کارها را تحت انتظام نتوان آورده. خصوصاً با همان کار کنایکه عمری بخود سری گذارانده هنوز معنی وطیبه شناسی و خدمت را ندانسته و نمیدانند مشولیت میوه کدام درخت است. امروز توقع داشتن از مأمورین که آنچه بغير حق گرفته باز دهند توفی است غیر مقول. بلکه باید متوقع بود که در آنیه حقوق ملت و دولت را ضایع نمایند. هرگاه خزانهایکه محمد علی تلف کرد و وجوهی را که امیر بهادر و سعدالدوله در ایام استبداد برده میتوان پس گرفت. این سبزه هزار تومانی هم که مفتاح السلطه از حقوق ملت ضایع نموده میتواند توقع وصول شدن داشته. فرق این است که نصف این مبلغ را مفتاح السلطه

موجب بر همه این است که گویا وزارت خارجه
 بحسب بر افراط آن سیزده هزار تومان نیستند . و
 بناچار روزانه شریقه ابرار نو نوشته در مجلس
 بوده اند که وزارت خارجه را کمال اعتماد عنقاع
 سلطه هست و عنقریب بمأموریت خود یعنی جنرال
 ونسلگری هندوستان خواهند رفت. و از وقتی که
 بن فرمایش را در مجلس مقدس فرموده اند تا
 اکنون سه ماه میگذرد. گویا منتظر نوروز بود که
 واجب سال سوم را هم گرفته در اوایل سال
 چهارم که موعد اخذ موجب است وارد هند شده
 رخصت حاصل نموده تشریف ببرند هرگاه غرض
 بن وقرینه هم دال بر همین است صرفه درین خواهد
 بود که زحمت مسافرت بایشان نداده هاجها موجب
 را بایشان بدهند. نیول در داخله موقوف شده ولی
 نیول مأمورین ما در خارجه موقوف نشده است

بهر حال خواهش و استدعای ما از مجلس مقدس
 چند امر است. اول آنکه برای مأمورین خارجه يك
 مدت معین شود. دوم تا روزیکه وارد بمحل مأموریت
 خود میشوند موجب بآنها داده نشود. سوم تا رسیدن
 مأمور جدید و جارج دادن باو از محل مأموریت
 خود حرکت نمایند. و از ساعتی هم که حرکت
 میکنند موجب مأموریت نیابند نهایت این است که
 خرج راه مأمورین را از روی يك مقیاس صحیح
 معین فرمایند

وزارت خارجه ملاحظه نماید

امروز وقتیکه بصفحه شطرنجی مناسبات سیاست
 اروپا ملاحظه شود مهم‌ترین امور سیاسی .
 مسئله پوتیک ابرار و روس که شرح آن
 موجب تصدیق و بر نامه سیاسیون اهمیت این مطلب
 ظاهر من الشمس است . و تمام اقدامات که دولت روس
 نسبت بداخله ایران مینماید بحسب تصویب و تعلیمات
 فرمانفرمای قفقازیه میباشد . بلکه از مسلمات اوایه است
 که بدون تجویز فرمانفرمای قفقازیه مطلقاً دولت
 روس راجع بایران اقدامی نه نموده و نینماید .
 چنانچه دولت انگلیس بدون تصویب فرمانفرمای
 هندوستان اقدامی بداخله ایران نینماید . در اینصورت
 جنرال قونسولی که از طرف دولت ایران برای تلبیس
 و هندوستان معین میکنند باید از اشخاص محرب
 خلفه خلفه خلفه و طرف وطن درست یا اطلاع باشند تا

بنوانند مطالب اتفاقیه داخله ایران را بحسن تدبیر
 و تمهید فرمانفرمایان قفقازیه و هندوستان بیک طور
 دوستی مشکلات مسائل را تسریل نمایند که بوجه
 احسن در چنین مواقع امورات پلتیکی بین دو
 هیایه و ایران صورت احتقار پذیرد. چنانچه مأمورین
 سابق تلبیس همین رویه را پیش براد داشته و نتایج
 حسنه از برای دولت و ملت خود حاصل میکردند .
 انسوس که مطلقاً وزارت خارجه ایران ملاحظه
 رعایت این دو نقطه مهمه را نه نموده و نینماید . و
 اگر هم بخواند ملاحظه کند گویا ملاحظات بعضی
 از اعضاء مانع بر اجراء این منظورات است و اینطلب
 بصراحت مشهود و مبرهن میباشد و بر تمام اعلی
 و ادای ایران واضح است. جنرال قونسول هندوستان
 که حاش از مخارات مجلس معلوم — جنرال قونسول
 تلبیس سردار هایون مبلغی داد و مأمور تلبیس شد
 سردار هایون ابدأ در خط سیاست نبوده و از
 اعمال سابقه جنرال قونسلگری او در تلبیس که
 چند ماه زاید شد و پیوسته از کثرت باو واجب
 که گویا منظور از تحصیل این مأموریت بود تکرار
 شکایت موجب تنبیر او گردید . چنانچه فعلاً دو نفر
 از اجزاء جنرال قونسلگری مشغول و مشار الیه
 مشغول عیش و راحتی و خوشگذرانی است .

مکتوب از فوجا

(آستانه مقدسه)

(قابل توجه وزارت اوقاف)

آستانه مقدسه یعنی قبه الاسلام و مآمن ماسلمانان
 با اینکه میبایستی خدمتگاران و صاحبان مناصب آن
 تمام مردمان متقی و برهیز کار و متدین و محترم
 از منزهات باشند ، بکس اعتبار در نهایت تناسف
 باستانی چند نفر همه مردمان کلاه بردار و چپاولچی
 و و و که قلم از نوشتن آن عار دارد بوده هستند
 که هر کدام بعنوانی قلب مینماید . یکی بعنوان شمع
 دزدی ، دیگری بعنوان ضبط بذورات . جمعی بعنوان
 آن اخذ موقوفات ، مانی دیگر بعنوان وظیفه
 گیری ، اموال حضرت را در نهایت بیشرمی و بیشرافی
 برده و میخورند ، و اغلب از این تروت را که
 سالی چندین هزار تومان است واصل بصندوق خارجه
 مینمایند ، بالآخره غالب صرف تعیشات و مهیسات
 شده و می‌شود و نه کسی که جلوگیری از اعمال

شان نماید و نه خودشان شرم از خدا و حضرت
 من الاثم (ع) دارند ، اعجب اینکه تمام املاک
 و قوفه را بعنوان وظیفه و قبول تصاحب نمودند
 صحت تر اینکه با همه این تمول و ثروت حضرت
 رضا (ع) را چندین هزار تومان قرض است ، و
 محل ندارد ، و این نکته بدیهی است که از چندین
 سال قبل از ولایات و قضبات و ممالک خارجه و داخله
 مبالغی اشیاء نفیسه که بالغ و چندین کرور باشد و
 اساسه های متبقیه داخل خزانه حضرت شده ، و حال
 جز اسی از آنها چیزی دیگر باقی نیست ، با
 ایسکه اگر گزافه و اغراق نباشد با آن اموال
 میشد چندین راه آهن از شمال بجنوب که نقطه
 عمده است و سایر نقاط ایران دایر نماید ، و منافع
 آن را باز در خزینه حضرت جمع نموده و بسایر
 درد های مملکت مصروف دارند ، که يك مشت ملت
 اصیل و نجیب و متدین دست خوش و مرعوب
 احاطب نگردد ،

الله نقشه این شرب الیهودی را که
 کشیده که هیچکس نمیتواند بر هم زند ، آه آه
 این چه بازی است که انتهای ندارد ، سابقاً مکتوبی
 که حاوی اعمال و افعال و حرکات دمیمة اهالی آستانه
 بود از مشهد نوشته بودند و در یکی از نمرات نامه
 مقدسه درج فرموده بودید بحکم دیات و اسلامیت
 سده هم مجبورم بایسکه از اطلاعات خودم در این
 باب تحریر نموده و باداره مبارکه ابداً بایم ، تا مگر
 چند نفر از اهالی اصلاح خواه مارا قرع سمع نموده
 و مجبور باصلاح امور آستانه بنمایند .

هر بخرد و بیفرضی که این سطور را بخواند ،
 خواهد دریافت که این عنابرین ناشی از هوا و هوس
 بیست ، و نوشتن ایگونه مطالب داخل در تمیشات و
 قریح هم نمی باشد ، بحمد الله اعراض شخصی هم محرک
 نمی تواند به شود که قلمی بردارم و در باب و بایس
 بهم بیافم بامید ایسکه مرا دربان باشی یا صاحب
 اختیار بنمایند

خدمت کشیک خانه آستانه مقدسه

عده خدمت و دربان کشیک و سرکشیکان مجموعاً
 بالغ و ۷۰۰ نفر است که همه شان از طرف آستانه
 مقدسه موطنند ، و اقل خدمتشان این است که باید
 آستان ملک پاسبان را جاروب و تمیز نمایند که بدون

کثافات شرعیه و عرفیه بوده باشد ، ولی افسوس که
 دستور العمل طهارات شرعیه با بیدل بکثافات عرفیه
 شده همین قدر بدآید که برای شخص با حسن توقف
 در محن مقدس بسیار اشکال دارد ، نظر بهدم مشاهده
 به سگه گان زبان نفیس و میروصین و سایر مجیزه و
 مساکین ناچار است که هرچه زود تر از محن مطهر
 بیرون برود

مدرسه آستانه

این مدرسه از چندین سال قبل مفتوح است
 و معلم آن از مطمینی است که علوم اولین و آخرین
 را دارا هستند ، تا بحال اینکه مبالغی از ثروت
 حضرت خرج و صرف این مدرسه شده مطمین
 این مدرسه نمی توانند که عبارات بسیار سهل و ساده
 را نوشته و بخوانند ، افسوس از صرف اوقات
 گرانبهای ۴۰ نفر اطفال مصوم سادات چنانکه
 خود بنده اطفال را امتحان نموده ام تمام ناش
 مبتدی هستند و باید تحصیلشان مجدداً شروع بشود
 صدر المالك متولی باشی بتلازی اصلاحی در امور
 تنظیمه این مدرسه نموده و امید چنان است که
 باور خوبی دادر بشود

مریضخانه - یا دار الشفای آستانه

اداره مریضخانه نیز که سالی از بابت نقد و
 جنس تقریباً ۱۵ هزار تومان موقوفه دارد و مقرراً
 و باید صرف بذیرائی مرضای اسلام و بیوسیدهگان
 و غرباء و ایتام بشود ، بکس مقصود واقف دولت
 زیاد تر آن خرج تمیشات شخصی شده و میشود
 عرباء و ابن السبیل که ناخوش میشوند بواسطه سوء
 رفتار اجزاء و اعضاء این مریضخانه بآنجا نرفته و
 بمریض خانه روس و انگلیس میروند و در آنجا
 مصالحه میشوند ، معلوم است همین فقره چه بلیتیک
 شعبه در بر دارد

کتابخانه آستانه

این اداره که از اول تأسیس آن مانند خزانه
 آستانه مبالغی از کتب عتیقه و جدیده بخطوط خوش
 بانجا رسیده از بی مبالغی اجزای آستانه و بحکم آنکا
 دزد بازار آشفته میخواید تمام را بعنوان امانت
 برده و تصاحب نموده اند ، الحال تقریباً از ۲۰۰ هزار
 جلد کتب کتابخانه اگر هزار جلد داشته باشیم ،
 باید خیلی خوب مراقبت نمایند ، اینها در روزگار